دریاکنار

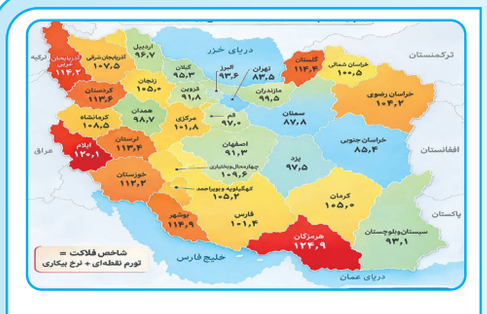
صدای پرطنین مردم

سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان

روزنامه‌نگاری یعنی انتشار خبری که نمی‌خواهند منتشر شود، باقی کارها کار روابط عمومی است. (جرج اورول)



۸ ۳۰ میلیارد دلار ارز برای تامین کالاهای اساسی تامین شد



۷ بوشهر رتبه ششم تورم استانی را کسب کرد

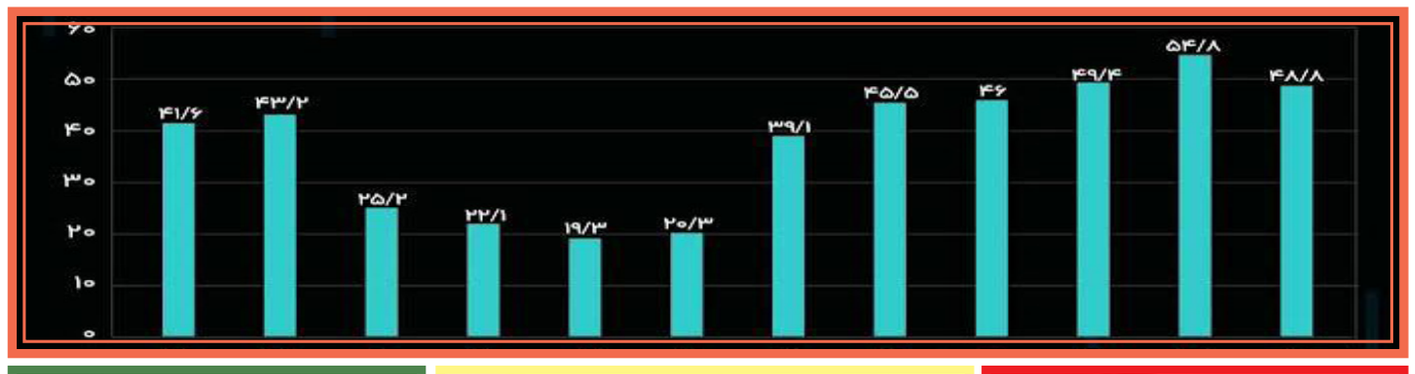
۸

استان بوشهر در شاخصِ فلاکت، سوم کشور شد

صلح و سازش؛ فراتر از مختومه شدن یک پرونده

صلح و سازش یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش تنش‌های اجتماعی، حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از گسترش اختلافات است. شوراهای حل اختلاف در این مسیر می‌توانند با ترویج فرهنگ گفت‌وگو، گذشت و میانجیگری، نقش مؤثری در ایجاد آرامش و همبستگی اجتماعی ایفا کنند. بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی سرپرست شوراهای حل اختلاف استان بوشهر، در هفت ماه نخست امسال از مجموع ۱۸ هزار و ۷۷۶ پرونده ارجاعی، ۸ هزار و ۹۲ پرونده به سازش منتهی شده است. همچنین طی پنج سال گذشته، ۶۳ پرونده قصاص با سازش پایان یافته و ۹۹۶ زندانی نیز با همکاری این مجموعه آزاد شده‌اند. این آمارها نشان می‌دهد که ظرفیت صلح و سازش تنها به حل اختلافات حقوقی محدود نمی‌شود، بلکه گاهی می‌تواند زمینه بازگشت آرامش به یک خانواده، نجات یک زندگی و جلوگیری از پیامدهای سنگین اجتماعی را فراهم کند. با این حال، موفقیت واقعی شوراهای حل اختلاف صرفاً در تعداد پرونده‌های مختومه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه اعتماد عمومی، رضایت طرفین و تحقق سازش پایدار باید در اولویت قرار گیرد. تقویت این فرهنگ، سرمایه‌ای اجتماعی است که ثمره آن به تمام جامعه بازمی‌گردد..

ادامه صفحه۷





۷ سازش در ۴۱ درصد پرونده‌های ارجاعی به شوراهای حل اختلاف استان بوشهر



۴ گناوه به‌عنوان هشتمین شهر فعال کشور معرفی شد



۶ روایت تور رسانه‌ای دیلم؛ از اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری تا توسعه انرژی پاک و آبزی‌پروری



۵ مهدی مهرانگیز: (رئیس کل دادگستری استان بوشهر)

محکومیت ۲۸ متهم در پرونده رشوه ۳.۵ میلیون یورویی در استان بوشهر



۶ نرگس جودکی: (کارآموز وکالت- ارشد جرم شناسی)

کلاهبرداری رایانه‌ای؛ جرمی که ردپایش در داده‌هاست

۴ دربی تمام شد؛ فوتبال زنان ماند و یک دنیا فاصله تا آسیا





در جلسه هماهنگی مدیریت مصرف انرژی و سوخت صورت گرفت؛

مدیریت مصرف انرژی، شاخص اصلی ارزیابی عملکرد مدیران در سراسر کشور

دکتر پزشکیان در تشریح الزامات مدیریت مصرف در دستگاه‌های اجرایی، با یادآوری مسئولیت مدیران در اجرای دستورالعمل‌های تدوین‌شده برای صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف سوخت، بر تشکیل فوری اتاق رصد روزانه و لحظه‌ای عملکرد دستگاه‌ها با محوریت وزارت کشور تأکید کرد و گفت: باید مشخص باشد هر دستگاه اجرایی در سراسر کشور دستورالعمل‌های ابلاغی را چگونه و تا چه اندازه اجرا کرده یا اجرا می کند.

رئیس جمهور افزود : بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته و ابلاغ‌شده، استانداران، فرمانداران، بخشداران و دهیاران موظفند با تشکیل جلسات منظم و مستمر مدیریت مصرف انرژی در سطوح مختلف، از طریق تعامل با صاحبان فرآیندها و مسئولان ذی‌ربط، اجرای الزامات صرفه‌جویی را مطالبه و بر آن نظارت کنند.

دکتر پزشکیان تصریح کرد :آموزش و توجیه نیروها در زمینه روش‌های کاهش مصرف، مهندسی و بهینه‌سازی ساختمان‌ها، اصلاح وضعیت اتاق‌ها و موتورخانه‌ها و اجرای مقررات ابلاغی، از جمله محورهایی است که باید در این فرآیند مورد توجه قرار گیرد. همچنین لازم است برای مدیرانی که در اجرای برنامه‌های صرفه‌جویی عملکرد موفقی دارند، مشوق‌ها و پاداش‌های مناسب در نظر گرفته شود و در مقابل، برای مدیرانی که عملکرد متناسبی با مسئولیت‌های محوله ندارند، رویکردهای تنبیهی و بازدارنده اعمال شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه در شرایط فعلی کشور، مدیریت مصرف انرژی مهم‌ترین شاخص ارزیابی عملکرد مدیران در سراسر کشور است، تصریح کرد: مدیران باید بدمصرفی و پرمصرفی را به‌طور کامل از دستگاه‌ها، ادارات و ساختمان‌های تحت مدیریت خود حذف کنند. امروز مدیریت موفق، در گرو توانایی مدیران در صرفه‌جویی و کاهش مصرف انرژی معنا پیدا می‌کند.

دکتر پزشکیان کاهش دمای اتاق‌های اداری و استفاده کارکنان از پوشش مناسب، اورهال و بهسازی موتورخانه‌ها با هدف افزایش بهره‌وری، تعطیلی کامل فضاها و اتاق‌های بلااستفاده یا کم‌استفاده و اصلاح رویه‌های مصرف انرژی را از جمله اقداماتی برشمرد که باید به‌صورت جدی در دستور کار دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد.

رئیس جمهور همچنین تأکید کرد: آیین‌نامه ۱۰ ماده‌ای ابلاغ‌شده برای مدیریت و صرفه‌جویی مصرف انرژی، سندی انعطاف‌پذیر و قابل تکمیل است. اگر مدیری که در میدان اجرا حضور دارد، راهکار خلاقانه، مؤثرتر و پیشنهاد بهتری برای کاهش مصرف ارائه می‌کند، باید آن را مطرح کرد، مورد بررسی قرار داد و در صورت اثربخشی، به‌عنوان تجربه موفق به سایر بخش‌ها و مناطق کشور نیز تعمیم داد.

تأمین انرژی صنایع و تولیدکنندگان، اولویت دولت؛ همراهی بخش اقتصادی برای عبور از زمستان ضروری است

رئیس‌جمهور در تشریح بخش دوم برنامه دولت برای مدیریت مصرف انرژی، اصناف، اتاق‌های بازرگانی، صنایع و صاحبان فرآیندهای اقتصادی و تولیدی را مخاطب قرار داد و اظهار داشت: دولت با برگزاری جلسات منظم و مستمر، تأمین سوخت و انرژی مورد نیاز صنایع و واحدهای تولیدی را به‌عنوان یک اولویت در دستور کار قرار داده و تمام تلاش خود را به کار گرفته است تا تحت هر شرایطی و به‌رغم چالش‌ها و ناترازی‌های موجود، نیاز این بخش تأمین شود و گاز صنایع قطع نشود.

دکتر پزشکیان با تأکید بر اینکه تحقق این هدف مستلزم همراهی و همکاری متقابل بخش تولید و فعالان اقتصادی با دولت است، افزود: صنایع و واحدهای تولیدی نیز باید تا حد امکان، صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی را در دستور کار قرار دهند تا بتوانیم با مدیریت منابع موجود، اهداف تعیین‌شده در زمینه تأمین پایدار انرژی مورد نیاز آنها را محقق کنیم.

رئیس جمهور در همین راستا خواستار برگزاری جلسات مستمر از سوی رؤسای اصناف و اتاق‌های بازرگانی با زیرمجموعه های خود شد و تأکید کرد: لازم است با حضور مدیران استانی، فعالان اقتصادی و صاحبان فرآیندها نسبت به تبیین شرایط کشور و تشریح راهکارها و روش‌های عملی صرفه‌جویی اقدام شود و این موضوع به‌صورت مستمر در دستور کار قرار گیرد.

دکتر پزشکیان تصریح کرد: اگر فعالان اقتصادی و صاحبان صنایع را در این مسیر به مشارکت و همکاری دعوت کنیم و ضرورت‌ها و اهداف را برای آنان به‌درستی تبیین کنیم، قطعاً همراهی و همکاری لازم را خواهند داشت.

مشارکت عمومی و خانگی؛ رکن سوم برنامه دولت برای تقویت تاب‌آوری انرژی کشور

دکتر پزشکیان در تشریح بخش سوم برنامه دولت، با تأکید بر نقش تعیین‌کننده مردم و نهادهای اجتماعی در مدیریت مصرف انرژی، سمن‌ها، نهادهای مردمی، بسیج، ائمه جماعات، مساجد و سایر ظرفیت‌های اجتماعی را از ارکان مهم تحقق این برنامه دانست و گفت: باید شرایط ویژه کشور برای مردم تبیین شود تا همگان بدانند امسال برای جلوگیری از قطع گاز صنایع، توقف تولید، بیکاری کارگران و بروز مشکلات اقتصادی، بیش از هر زمان دیگری به همکاری و مشارکت جدی مردم در صرفه‌جویی مصرف انرژی نیاز داریم.

محکومیت متخلفان در بوشهر به بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال جریمه طی ۷ ماه



مدیرکل تعزیرات حکومتی استان بوشهر از رسیدگی به بیش از ۵ هزار پرونده، وصول بیش از ۶ هزار میلیارد ریال به خزانه دولت و کشف ۸۵۴ تخلف در جریان گشت‌های مشترک خبر داد. همچنین بیش از یک میلیون لیتر سوخت مکشوفه قاچاق به چرخه توزیع قانونی بازگشت. سید موسی حسینی اعلام کرد: از این میزان واریزی به خزانه دولت، بیش از ۶ هزار و ۲۷ میلیارد ریال مربوط به حوزه قاچاق کالا و ارز، ۶۹ میلیارد ریال در بخش تخلفات صنفی (کالا و خدمات) و ۹ میلیارد و ۳۶۰ میلیون ریال نیز از ناحیه تخلفات حوزه بهداشت، دارو و درمان وصول شده است. وی افزود: از ابتدای سال جاری تا پایان مهرماه ۵ هزار و ۸۷۱ فقره پرونده به تعزیرات حکومتی استان وارد و ۵ هزار و ۵۳۸ فقره پرونده مختومه شده است که نشانگر عملکرد ۹۴.۸۲ درصدی در رسیدگی به پرونده‌هااست که در پی آن متخلفان در مجموع به پرداخت ۱۰ هزار و ۵۰۳ میلیارد ریال جریمه محکوم شدند. حسینی تصریح کرد: در حوزه قاچاق کالا و ارز یک‌هزار و ۶۱۴ پرونده وارده و یک‌هزار و ۴۰۶ پرونده مختومه ثبت شده که ۱۰ هزار و ۶ میلیارد ریال جریمه به دنبال داشته است؛ از این میان، ۲۴۲ پرونده مهم و ملی با ارزش ۲ هزار و ۴۴۰ میلیارد ریال و ۱۳۶ پرونده ارزی با ۹۲۸ میلیارد ریال جریمه رسیدگی شد. مدیرکل تعزیرات حکومتی استان بوشهر یادآورشد: همچنین در بخش قاچاق سوخت با تشکیل ۲۶۷ پرونده و مختومه شدن ۲۶۱ فقره، بیش از یک میلیون لیتر سوخت مکشوفه به چرخه توزیع قانونی بازگشت. مدیرکل تعزیرات حکومتی بوشهر ادامه داد: در بخش بازار و خدمات نیز ۲ هزار و ۸۰۲ پرونده وارده با ضریب رسیدگی ۹۵.۱ درصدی منجر به مختومه شدن ۲ هزار و ۶۸۵ پرونده و اعمال ۴۷۳ میلیارد ریال جریمه شد؛ در حوزه بهداشت و درمان نیز از ۸۷۸ پرونده وارده، ۸۷۷ پرونده با جریمه ۲۵ میلیارد ریالی مختومه گردید. وی به فعالیت گشت‌های مشترک و سامانه ارتباطی نیز اشاره کرد و گفت: طی این مدت ۴۹۲ تیم گشت مشترک تشکیل شد که پس از بررسی بازار، ۸۵۴ تخلف شناسایی، ۳۵ واحد متخلف پلمب و ۴۱ واحد نیز به نصب پارچه محکوم شدند. حسینی افزود:همچنین ۲۳۵ شکایت مردمی ثبت‌شده از طریق سامانه ۱۳۵ دریافت و رسیدگی شده است

دریاکنار
۲
سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان

مدارا

دریاب این جانِ سراسر خواهشم را
با من مدارا کن ببینی کرنشم را
من در کویرِ عشقِ تو برباد رفتم
پس کی عنایت می کنی آرامشم را
طوفانِ وهمی و سرابِ انتظاری
بس کن دگر بر هم نزن آسایشم را
باید که ابر مهر ما پر بار گردد
شاید ببینی بینهایت بارشم را
کنجِ سکوتی
مسکن و ماوا نمودم
طنینِ گریه دارد جانم امشب
بیا بنیاد هستی ام بپا کن
تویی هم درد و هم درمانم امشب

عمارت

عمارت کن مرا، ویرانم امشب
اسیر حلقه‌ی طوفانم امشب
دل از بس سوخت، خاکستر شد آخر
نمانده توشه ای بر خوانم امشب
به پیش چشم تو آیینه دارم
به بزمت ای مها، مهمانم امشب
سفر جز کوی تو، ویرانه بینم
تویی روشنگر ایوانم امشب
زبان زخم اگر خاموش مانده‌ست

انتظار

چگونه خودش را پیدا کند
کسی که از درون مه‌آلود است؟

نفس که می‌کشم به غلطتی دامن می‌زنم
که به سرفه‌ام می‌اندازد
هیچ چراغی آنقدر قوه ندارد
که شب را در سینه‌ام به صبح برساند
حتی باد به یادش نمی‌آید
آخرین بار از کدام سمت وزیده بود
و خون به حدی سنگین است
که دارد بند می‌آید
نمی‌دانم
رگ اگر بزنم
می‌ریزد یا می‌افتد!

اجبار

زندگی را به دندان گرفته‌ام
و از کنار آسمان ریخته پر در خیابان
به مراقبت می‌گذرم.
در مردن‌ها و نمردن‌ها سرازیرم
بتکانم از صدا
بتکانم از کلمه
بتکان از اعداد اندوهگین شناسنامه.
ای درخت ناگزیر از تبر
در عزای پرنده شریک باش
تا بر جنازه‌ات برقصد باد
در من زار می‌زند عقرب
در من می‌گرید گرگ
در من ورد می‌خواند عنکبوت

اعتبار

از جریانِ نسبت خونی‌ام
بشارت می‌دهد
شاهرگم
و درجا می‌زند زمان
تا بایستد
در سکوتی که
جریانش مفصل است
کسی چه می‌داند
در این میان جانم را
برای صدای چند فقره تنِ عریان

گمان

شانه‌ات- شادی‌ها
و موی تو
آفتابی کشیده داشت،
صدایی از قفا آمده بود
تا در منحنی‌ات شراب بریزد،
صدای سرخِ حرف
در دهان کوتاه
و میان گفت‌وگو
واو عاطفه ربط شد
چشم رابطه در چهره‌ی سکر،
از شانه
اندوهِ سایه ریخت،

پیوند

چنان آمدی
که ابر و علف خود را
به عریانی‌ات می‌آمیزند
و سرشتی بیابند
سرشار از قامت دروگران
چنان آمدی
که پوستت را چون لوحه‌ای
دختران
سیب و انگور بخوانند
و کوزه کوزه
بردی به یغما
نغمه و اوایشم را
در سلطه های سایه ها
خاموش ماندم
خورشیدِ مهرم
برملا کن تابشم را
بی شک تو را همواره در دل می ستایم
در بند کردی قلبِ پاک و سرکشم را
جانِ پری وش این حجاب کهنه بردار
بشنو صدای های وهویِ خواهشم را.

پری وش فیروز بخت



ز عشقت شد
نصیبم آه و فریاد
همین فریاد شد
حرمانم امشب
به شوق وصل تو
عمرم تبه شد
زهجرانت همی گریانم امشب
مپوشان چشم خود از من زمانی
گهی پیدا، و گه پنهانم امشب
مرا از نو بنا کن، گرچه دانی
که صد بار دگر ویرانم امشب

مدینه ترکاشوند (حدیث)



کسی که
خونش ایستاده باشد را
چگونه می‌توان
از مجسمه تشخیص داد؟

هر صبح زود
کودکی
نخ بادبادکش را
به گردن مجسمه‌ی در میدان می‌بندد
و منتظر می‌ایستد
تا باد
ادای مراسم اعدام را دربیاورد

رضا حسینی
(مجموعه شعر متواری‌الاضلاع)



من که تبعیدی
این سرنگونی استمراری‌ام
پس چرا باید تو را
به این گوراب
دعوت کرده باشم!؟
من بلد بادبان‌ها و بیابان‌ها بودم
غم دریا را در چشم ماهی‌ها می‌خواندم
و با ستاره‌های رم کرده
در کویر رفیق بودم.
بچرخ در شقیقه‌هایم
مرا که به مرگ امر شده است
از چاه بیرون بکش!

ارمغان بهداروند



در گور گشوده‌ام
بندبند انگشتانم
آغشته‌اند به خونی که
با آن فشرده است
قلبم را
و چه بیهوده بند آمده
این زبان
وقتی بی‌اعتبار
زخم می‌دواند

مژگان معدنی



بادی دوید
در هزار موی دور
شانه‌ی بلور در نور
و ظرف
در کشیده‌ی شراب تمام شد،
حالا ایستاده‌ای و
گمان نمی‌بری
یکی تنهاست،
حالا ایستاده‌ای و
اندوه و شادی را
گمانی نمی‌بری

محسن جعفری



دوشیزگی‌شان را
از جوانی جاری تو
برگیرند
چنان آمدی
که رودخانه‌ها خود را
از دیوها بتکانند
و تبارشان را پیوند زنند
به فصل‌هایی
که هفت سال فراوانی داشت

رضا عباسی

رباعی «شعله طور»

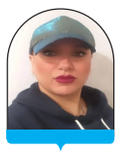
یا رب دلِ شیدایِ مرا شور دَهَش
از کویِ وصالِ خویشتن نور دَهَش
موسی نیمو مهر تو دارد دلِ من
زآن اشکِ سحر و شعله‌ی طور دَهَش
*****

دوبیتی «راه حق»

سحر شد جامِ می نوشید باید
قدم در راهِ حق کوشید باید
کزین دنیا نگردد کام حاصل
جهانِ دیگری جوشید باید

برهان‌الدین وقف





عاشقانه های من ژانت:
شجاعت میخواست
در چشمانت نگاه کنم
و بگویم
دوستت ندارم .....
*****
تو تنها غریبه دنیایی
که من بادلخوری ودلتنگی
از کنارت عبور میکنم

ژانت شیدا



فراموشی

یک روز برای همه تکراری می شوی
مثل قاب عکس روی دیوار
مثل نفس کشیدن های تکرار در تکرار
دیگر کسی سراغی از تو نمی‌گیرد
فراموش می شوی وقت های که نیازت ندارند
دیگر وقت های که میداند با تو کاری ندارند
فراموش می شوی روزی که از تو دو چشم می‌ماند
برای دیدن برای رفتن آدم ها که کنارشان ماندی
حتی تو روزهای سخت پر از وحشت

بتول سرگزی

وقتی دستانِ مان
از شاخه یِ زندگی
قهر چیدند
پشت آفتاب گیر و پرده ها
در خنده یِ آزارِ بخاری ها
گرمایِ خورشید
جامِ تباهی را
به سر کشد
عاطفه ها را نگذاریم
افکار به کاربری گیرند !
وقتی دستانِ مان
سلیقه هایِ ذهن را
به جایِ آوازهِ مهر پرستیدند !

سامان ساردویی

بوسه تیغ

تنم انبار باروت است
تنت خیسی این درد ها
کدامین شعله آوردی ؟
که لرز انداخته ای بر ما
چرا آن ماشه ی قلبت
نمی چکد روی سینه؟
هدف جنگ برابر بود
نه دشت های پر از کینه!
شبیه جنگ ، خاموشم !
مثال ترس آغوشی
که هنگام شیشه شکستن ها
پناه بُرد به فراموشی
سیم خارداری بود ، رفتن
تو برایم دام می چیدی
زمین عشق پر از خون شد
تو اما هرگز نفهمیدی
شدم سرباز راه تو
خلع سلاح شدم در برابرت آخر!
گرفتی تو تفنگم را
و قلبم زانو زد با من
کنار گوش من گفتی :
[برو، اینجا نمان، هرگز!]
دو گوشم کر شد از موج
و از گفتن عشق، نبودم عاجز
کشیدی تیغ عریانی
تمام کردی! هر چه ما بود
گلوی عشق زخمی شد
کاش تیغ، بوسه ی ما بود!

یاس غلامی(یاسای)

کوی عشق

فلک آخر چه می خواهی ازاین زارِ نزار امشب؟
سرشک دیده ام بنگر که باشد لاله زار امشب
ره غمخانه ی دل را گشایم بهـــــــر آه و غم
که محنت می رسد هردم زدست روزگار امشب
دمی در خلوت جانان به کوی عشق رو کردم
ندانم عشق هم یار است با این بیقرار امشب
مه عشق آفرینم کی دمد از خـــــــاور بختم
که ریزد گوهر اشکم ز چشم انتظـــــار امشب
به چشم خویشتن کردم رصد گه ماه و گه پروین
مُنَجِّم پیش من باشد کمین اخترشمار امشب
به هر بی پا و سر بزمی نشاید سوختن خودرا
که شمع شب فروز آمُخت ازاین شب زنده دار امشب
درون کعبه ی دل را نه هر عشقی سزاوار است
که عشق راستین آمد ز بهر افتخار امشب
ز عشقت ای پریچهره فغانم زین دل خونین
جنونم می کشد آخر
به سوی انتحار امشب
به کوی بیستون عشق
منم فرهاد دورانم
ز عشقم می شود شیرین
دیگر آشکـــــــار امشب
نشسته مَردُمِ چشمم به اشک اشتیاق اینک
نوای عشق می آید
ز گلبانگ نگـــــــــار امشب
ز بهر یار دلجویم نویسم شرحی از هجران
که دیوانی کنم انشا
ز بهر انتشـــــــار امشب
بنازم لطف داور را که(فرشاد) زمانم کرد
که ریزد گوهرطبعم ز بحـــــــر کردگار امشب

علی سام خانیانی(فرشادتنکابنی)

ماهِ خواب رفته

از دوری تو فریاد ای ماه خواب رفته
یک شب بیا به خوابم ای نور هر دو دیده
گفتم که می ندارم خواب از فراق رویت
جان از بدن برفت و آهوی تن رمیده
اندر وصال رویت خواهم چنان شباهنگ
آیم به سر به کویت چون اَنجمی سُریده
رفتی تو زود رفتی ای ماه آسمانم
از دل نمی روی که، یادت به تن تنیده
چون پیچکی به جانم پیچیده عشق و یادت
باشد دمی بخفتن آیی به خواب و دیده
دانم همی تو
ای جان داری هوای ما را
بر ما تفقدی بس
آهوی جان، رمیده
در کوی عشق و رندی
رخصت به ما ندادند
ما را چه میل رخصت مهرت به جان تنیده
از دیده ام سرشک و از سینه خون چکانست
دل را چه سود از این عشق
جانم به لب رسیده

گلستان زمانی

تنهایی

تو به آفتاب و آب و آینه
سلام می‌کردی
لبخندت بوی ریحان کنار جوی آب
و اندوهت سبزی درختان بلند سرگذر
و من که در گل‌های چادر مادربزرگ
سرخ شده بودم
و با عشوه‌ای به کودتا رسیده بودم
آن‌گاه بود
که شکل آغوش من
برای تو به دنیا آمد
آه
تو تنها بودی
تو تنها بودی
و غروب می‌ریخت در
چشمانت
و من می‌نگریستم
به ابر
به باد
و به تنهایی

سمیه شورگشتی

رقص در باد

زنی با دامنی پر گل میان باد می رقصد
مرا سمت خودش می خواند
و در یاد می رقصد
میان جنگل و گلها، میان این همه دلها
دمی با من دمی با گل
دمی هم شاد می رقصد
میان آهوان دشت با چشمان گیرایش
مرا درگیر خود کرد و ولی آزاد می رقصد
صدای تیشه می آید،
کمی اندیشه می‌خواهد
چه شیرین می شود آن دم
که با فرهاد می رقصد
به مثل پیکرک های بلورین
توی چشمانم
دمی چون ماهی آزاد
با صیاد می رقصد
زنی زیبا تر از شبنم نشسته بر غزلهایم
عروسک می‌شود
هر روز و با داماد می رقصد

محسن قاسمی نژاد

بدون تو تنها

سکوت و دوست داشتم
نگات که می کردم
چشات که حرف می زد
تکون نمی خوردم
وقتی می خوابیدی
جهان قفس می شد
تو خواب و بیداری
برات می مُردم
هر صبح لبخندت
بهم ندا می داد
انگیزه ی بودن
برای فرداها
انگیزه ی خواستن
برای کشف جهان
چیدن برنامه
ساختن رویاها
کو مهر و لبخندت ؟
کو اون گلوبندت ؟
کو نشون دستت ؟
رمانتیک بازیت کو؟
هر چی ازم داشتی
پیش من گذاشتی ؟
می گفتی پا سوزم
بسوز بسازیت کو؟
هر چی زمان می گذشت
بیشتر دوست داشتم
دور تو می گشتم
تا آخر دنیا
مثل زمینی که
عاشقِ خورشید
دور تو می گردم
بدون تو تنها

فائزه اکرمی (نوشا)

بر زمین گرمم

نزدیکم به غبار و نم و گِل
سهمی دارم در اهل بیت باران و تگرگ و مه!
منِ تازه، چه بخواهم و چه نخواهم
حسابم بر تاریخِ صنوبر و هوا و ماسه است
بر میراثِ موسیقی و رقص و
قافیه‌ی شعر،سند شده‌ام!
*****
شعر خانه‌ی من است
خشت خشت بالایش برده‌ام
با رنجِ فرهادگونه‌ی خیال
قطره قطره عرق از من چکیده است
از یخبندان زمستان‌های
پر بوران و سرما
دست و بالم یک‌سره تاول شده است
با گرفتنِ اکسیرِ اشاره
برای نشاندنِ
رقص بر ریتم
بافتنِ هارمونیِ
ذره ذره
در بافتِ سمبل
پشتم خمیده شده است
با گوش سپردن به قلب زمین و
زیر و رو کردنِ
رویِ بیرونیِ زبان با مجاز،
شعر خانه‌ی من است،
به کول کشیده‌ام و
از دمشق برایش
پنجره‌ای آورده‌ام و
کلاه‌فرنگی‌اش را از شیراز!



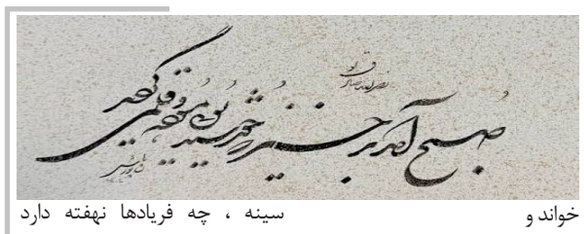
ترجمه‌ی شعرهایی از دلاور قره‌داغی شاعر معاصر کردزبان عراقی توسط زانا کوردستانی

دریاکنار
۳
سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان



برخیز که خورشید تویی

به قلم: راضیه قبادی (فعال فرهنگی)



خنکای هوای آبان ماهی از لای درزهای در و پنجره خود را به داخل می کشاند .
صبح شده خورشیدم .
تو می تابی و روزم را گرم و نورانی می کنی .
برخیز و دست نوازشگرت را بر سر این دیار بکش .
وطنم سخت تو را نیاز دارد .
و من ، خورشید جان .
یادش به خیر باد از سال‌های دور که تو را شناختم و با عشق و گرمای تو خو گرفتم ، دستانم را هر روز سرشار از نور می کردی و من جرعه جرعه سیراب می شدم و بغل بغل مسرور از این همه دلخوشی و مسرت .
آه ای جادوی پنهان و آشکارم
خورشیدم ، برخیز و مرا اهورایی کن .
شاد و سرمست و غزلخوان که پاییزی دوباره شور و شرش را بر سرمان تابانده و اصیل تر از قبل با خنده های طولانی از کنارمان عبور می کند عبوری از تو ، نوری در پرنیان عطش و دلتنگی ،
که سودای پروانه شدن دارد و تا دشت‌های نیلوفرانه ای قوی و ستبر نجواهایش را در دل تپه ماهورها می خواند و
می خواند .
رهاتر و آزادتر صبای نازنین می چرخد و می چرخد و تنفس صبح را با وزش برگ ریزان خزان در هم می آمیزد .
آه که چه حس دلبرانه ای ،
چه جریان عظیمی از زندگی که جاری می سازد و شیداتر از هر بوسیدنیست ، بویش را انعکاس می دهد تا بالاتر از کوه و کمرها.
و یاد تو در بلور اشک من ، در سکوت سینه ، چه فریادها نهفته دارد خورشید جان .
با مخمل سرخ شفق که رنگ تو را در پرده های سازهای خوشنوا روان می کند سخنها دارم ای شادی و هیاهوی غریب .
بهانه ی زیستنم و شیوه های دگرگونه ی زندگی ام در کوچه های حادثه ، در بلوغ شبنم های صبحگاهی .
« برخیز که خورشید تویی »
همین

دلنوشته

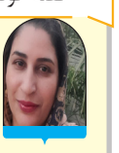


حسابی که در دل‌ها باز نمی‌کنیم

به قلم: داود گودرزی (فعال فرهنگی)

بعضی آدم‌ها خسیس‌اند. نه فقط در خرج کردن پول، بلکه در بخشیدن مهربانی. برای چند هزار تومان حساب و کتاب می‌کنند، اما عجیب‌تر آن است که گاهی از بخشیدن چیزهایی دریغ دارند که نه بهایی دارند و نه از دارایی‌شان چیزی کم می‌کنند. لبخندی، سلامی، کلمه‌ای محبت‌آمیز، تشکری ساده یا چند دقیقه گوش دادن به حرف‌های دیگری.
انگار در روزگاری که همه نگران گرانی و هزینه‌های زندگی هستند، مهربانی هم به کالایی کمیاب تبدیل شده و عده‌ای حتی برای خرج کردن آن نیز حسابگر شده‌اند.
ما در شهری زندگی می‌کنیم که آدم‌هایش هر روز از کنار یکدیگر عبور می‌کنند، بی‌آنکه گاهی حتی نگاهی به هم بیندازند. صبح که از خانه بیرون می‌آییم، رفتگر محله را می‌بینیم که پیش از بیدار شدن بسیاری از ما، خیابان را تمیز کرده است. راننده تاکسی ما را به مقصد می‌رساند، نانوا از سپیده‌دم نان به دست مردم می‌دهد، نگهبان ساختمان ساعت‌ها مراقب رفت‌وآمدهاست و پیک موتوری در گرما و سرما بسته‌ای را تا پشت در خانه ما می‌آورد. سهم ما از قدردانی این انسان‌ها گاهی فقط یک سلام یا خسته نباشید است. اما همین چند کلمه را هم دریغ می‌کنیم. از کنارشان می‌گذریم، چنان‌که گویی با انسان‌ها روبه‌رو نیستیم، بلکه از کنار بخشی از وسایل و تجهیزات شهر عبور می‌کنیم.
در زندگی روزمره، خساست ما شکل‌های عجیبی به خود گرفته است. در آسانسور، سلام کردن را فراموش می‌کنیم. در را برای کسی که پشت سرمان می‌آید نگه نمی‌داریم، مبادا چند ثانیه از وقتمان گرفته شود. کسی عطسه می‌کند و بی‌تفاوت می‌گذریم. همکارمان کاری را به‌خوبی انجام می‌دهد، اما از گفتن یک آفرین ساده دریغ می‌کنیم. دوستی به موفقیتی می‌رسد، ولی به جای تبریک، سکوت می‌کنیم، گویی خوشحالی برای دیگران چیزی از خوشبختی خودمان کم می‌کند.
حتی تعریف کردن از زیبایی، تلاش یا موفقیت دیگران برای بعضی‌ها دشوار شده است. انگار اگر به کسی بگوییم چقدر خوب شدی، چه کار ارزشمندی انجام دادی یا از پیشرفتت خوشحالم، از جایگاه خودمان چیزی کاسته می‌شود. در حالی که تحسین دیگران نه از اعتبار ما کم می‌کند و نه از داشته‌هایشان چیزی به ما بدهکار می‌سازد. برعکس، گاهی یک جمله کوتاه می‌تواند چراغ امیدی را در دل کسی روشن کند که مدت‌ها منتظر دیده شدن تلاش‌هایش بوده است.
ما در شنیدن هم خسیس شده‌ایم. دوستی از گرفتاری‌هایش می‌گوید، هنوز حرفش تمام نشده، ما شروع به تعریف مشکلات خودمان می‌کنیم. کسی از روز سختی که پشت سر گذاشته حرف می‌زند، اما به جای همدلی، با چند جمله شتاب‌زده او را به سکوت دعوت می‌کنیم. گاهی آدم‌ها برای حل مشکلشان به سراغ ما نمی‌آیند؛ فقط می‌خواهند کسی بی‌قضاوت به حرف‌هایشان گوش دهد. اما ما آن‌قدر درگیر تلفن همراه، پیام‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مشغله‌های خودمان شده‌ایم که حتی فرصت شنیدن چند جمله را هم از دیگران دریغ می‌کنیم.
عجیب است که برای تماشای چند قسمت از یک سریال، ساعت‌ها وقت می‌گذاریم؛ برای گشت‌وگذار در فضای مجازی، بی‌آنکه متوجه گذر زمان شویم، اما برای یک گفت‌وگوی ساده با کسی که به حضورمان نیاز دارد، همیشه گرفتاریم. گاهی در کنار یکدیگر نشسته‌ایم، اما هرکدام در دنیای کوچک تلفن همراه خود زندگی می‌کنیم. فاصله ها دیگر همیشه با کیلومتر اندازه‌گیری نمی‌شوند؛ گاهی دو نفر در یک اتاق‌اند، اما فرسنگ‌ها از دنیای یکدیگر دور شده‌اند.
در خانواده نیز گاهی همین خساست عاطفی دیده می‌شود. فرزندمان کاری تازه انجام می‌دهد، نقاشی می‌کشد یا برای نخستین بار مسئولیتی را به‌تنهایی به عهده می‌گیرد، اما تشویقش را به فردا موکول می‌کنیم. همسرمان در میان دشواری‌های زندگی همراه ماست، ولی کمتر به زبان می‌آوریم که حضورش چقدر ارزشمند است. پدر و مادر نیز گاهی بیش از هر چیز به همین توجه‌های کوچک و بی‌تکلف نیاز دارند. نباید اجازه دهیم عادت کردن به حضور عزیزان، ما را از دیدن و قدردانی از ارزش وجودشان غافل کند.
شکل دیگری از این خساست را در کمک کردن می‌بینیم. پیرمردی با کیسه‌های سنگین از پله بالا می‌رود و ما تماشاگر عبور می‌کنیم. همسایه‌ای برای جابه‌جایی وسیله‌ای به کمک نیاز دارد و خودمان را مشغول نشان می‌دهیم. کسی کنار خیابان دنبال نشانی می‌گردد و ما بی‌آنکه لحظه‌ای توقف کنیم، از کنارش می‌گذریم. گاهی کمک به یک انسان فقط چند ثانیه زمان می‌برد. نگه داشتن یک در، برداشتن یک بسته، نشان دادن یک نشانی یا گرفتن دست کسی که در عبور از خیابان مشکل دارد. اما انگار در مسابقه بی‌پایان زندگی امروز، حتی برای همین چند ثانیه هم وقت نداریم.
از همه عجیب‌تر، خساست در عذرخواهی و تشکر کردن است. اگر اشتباه کرده‌ایم، به جای گفتن یک ببخشید ساده، ساعت‌ها برای رفتارمان دلیل می‌تراشیم. اگر کسی را با حرفی رنجانده‌ایم، منتظریم زمان همه‌چیز را درست کند. اگر کسی برایمان زحمتی کشیده، گاهی تصور می‌کنیم وظیفه‌اش بوده است.

قصه کودک



ماجراهای کاوه(قسمت چهارم)

به قلم: آذر بنی اسدی (فعال فرهنگی)

پیاده‌روی کنم. بابا و مامان خیلی تند راه می‌رفتند. متر، توی جیبم داشتم. همراه بابا تند راه رفتم و می‌خواستم قد پاش رو اندازه بزنم تا بدونه که به خاطر بلندی پاهاش و کوتاهی پاهای من هست که خیلی ازشون عقب می‌مونم اما دعوام کرد که این جا جای بازی نیست. متر به دست دنبال‌شون راه افتادم. سنجاقک دیدم. روی چمن بود. یواش به طرفش رفتم. تکون نخورد. طفلک مرده بود. متر رو جلو بردم. سه سانتی‌متر بود. اون‌طرف‌تر یه گربه خوابیده بود. توی ماشین سمبوسه داشتم. دویدم و خودم رو به بابا و مامان رسوندم و گفتم بابایی یه دفعه گشنمه. بابا تندتر قدم برداشت و از داخل ماشین سمبوسه رو بهم داد. رفتم سمت گربه و نصف سمبوسه رو دادم تا بخوره. میو میو کرد. رفت زیر بوته که اون رو بخوره. منم دنبالش رفتم زیر بوته و دراز کشیدم چون جا به اندازه من نبود. با متر دمش رو اندازه زدم اجازه نمی‌داد بعد از چند بار اندازه زدن شد ۲۵ سانتی‌متر. گربه خوشش نیومد و میومیو کرد. کسی پاهام رو از از زیر بوته بیرون کشید. بابا و مامان بودند. مامان متر رو ازم گرفت. و داد دست بابا. بابا اون رو انداخت دور گردن مامان. با اشاره فهمیدم که باید جلوتر از اونا حرکت کنم. تند تند پیاده می‌رفتم. سخت بود که یه تابلو دیدم؛ عکس دوچرخه رویش بود. یه چیزی هم نوشته بود که مامان خوند دوچرخه‌سواری فقط ... تومان. مامان و بابا راضی شدند. دوچرخه، سوار شدم. دیگه عقب نموندم و سمبوسه می‌خوردم.... نوش جون....



نقاشی: فاطمه سنا غلامحسین نژاد



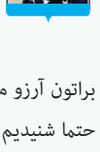


خیر و نیکی

به قلم: سمانه محسن پور (گوینده)

هر آنچه ،مثبت و خیر در جهان رو
براتون آرزو میکنم
حتما شنیدیم که هر آنچه از دوست برسد نیکوست
حالا من میخوابم بگم که خود بد به معنای واقعی کلمه باشه
که تازه اگه به بد و منفی هم دقیق فکر کنیم
تجربه ی ناخواسته ی همان بدی هم در نهایت نتیجه گیری مثبت برای آینده و تجربیات می‌تونه داشته باشه
چه شاخه ای گل که عاشق به معشوقش بده
و چه انگشتری یا پلاک طلا که ی دوست به دوستش
هیچ زیبایی رو رد نکنیم
تنها چیزی رو که جواب نه دهیم





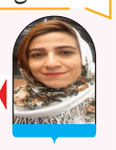
هیچ حواست بود

به قلم: لیلا کامران (فعال فرهنگی)

هیچ حواست بود
که باران برای چندمین
بارخودش رابه شیشه ی سرد
پنجره ی اتاقت کوبید
تاتورابخنداند.
هیچ حواست بودکه خورشیدهرروزباچه شوروشوقی ازلابه لای پرده ی حریر وشاخه های سبز پرپشت درخت خودش رابه تومیرساند.
هیچ حواست بودکه اب هم تشنه ی بوسیدن لبهای توست وتوراتشنه میکندتاتوان. رابنوشی .
هیچ حواست بودکه بادعاشق لمس گیسوان توست حتی بهانه ی جورمیکندازلای روسری ات ان رابیرون میکشد به رقص درمی اورد.
هیچ حواست بودکه روزی چندبارخدامیان هرنمازت پیشانیت رابوسید.
هیچ حواست هست که تمام اینهابهانه های عاشقانه ی خداست
برای انکه تورامیان روزمرگی هایت بغل کند تاتودلت نلرزد قرص شودبه بودنش



داستان کوتاه



یک ذره در باد

به قلم: گالیا توانگر (نویسنده)

«یک‌ذره از عالم» تصمیم گرفت برود و خودش را در موج‌های شور دریا غرق کند تا به شهری که پشت موج‌هاست، برسد. تن خسته‌اش را انداخت روی موی باد و از سر ناقوس کلیسای ارامنه که گذشت، خودش را بالای خیمگاه حسینیه دید.
دسته‌ی سینه‌زن‌ها رود شده بود. می‌توانست به‌جای آب‌شور دریا تنش را به رود بسپارد. دهانش خشک بود. می‌توانست بنشیند روی اشک چشمان یکی از آدم‌هایی که ذره‌ای از رود شده بودند تا ترک‌های جانش را نم بزند.
اما ترک جانش به سینه‌ی شکافته‌ی اناری خشکیده می‌مانست؛ دیگر حتی خونش هم نمی‌جوشید.
هراسان گفت: «نکنه مرده باشم؟!»
به چشم‌های درشت تمثال حسینیه که خیره به رود سینه‌زن‌ها می‌نگریست، نگاه کرد.
خودش را انداخت در چشم تمثال. چشم‌های تمثال هم که نمی‌باریدند، فقط خاموش نگاه می‌کردند.
به باد تشر زد: «عامو*! بریم پی غرق‌شدن خومون*. اینجا ابری نمی‌باره.»
باد گفت: «اشکی که می‌باره.»
یک ذره از عالم در میان سینه‌زن‌ها دو چشم آشنا را دید. چشم‌های آسید محمد دریانورد.
کنیه‌اش دریانورد بود، اما کارش آب دزدی از نخلستان‌های دشتستان بود. با یک نامه از این مقام و آن مقام می‌توانست چند شب از زمین این‌وآن آب بردارد و محدوده‌ی خودش را غرقاب کند. هیچ احد و ناسی هم یارای نطق کشیدنش نبود.
باد گفت: «چه اشکی می‌ریزه! برو بشین تو رود چشماش و سیراب شو.»
یک‌ذره از عالم تمام تنش از ترک‌ها می‌سوخت، اما محکم گفت: «نه!»
باد با دلخوری مویش را تکاند و لحظه‌ای یک‌ذره از عالم می‌رفت که بی‌هیچ تکیه‌گاهی بین زمین و آسمان غوطه بخورد.
باد دلش سوخت و وامانده‌ی تنِ یک‌ذره از عالم را دوباره انداخت توی موهایش و رهسپار موج شور دریا شدند.
توی ساحل جُفره* ماهیگیرها جمعشان جمع بود. انگاری با لِنج* خالی برگشته بودند.
چشم‌هایشان درد می‌کرد.
یک‌ذره از عالم، جاسم را شناخت. چند سر عائله داشت و شکم همه‌شان را با کارکردن روی آب‌سیاه (دریا) و ماهیگیری سیر می‌کرد.
یکی از ماهیگیرها گفت: «این صید تراله*، مراله چیه؟ بوآمون* رو سوزونده. چرا کاری نمی‌کنین، عامو؟! بریم جلو در شیلات لااقل حرفمون رو بزنیم.»
جاسم با غرولند و مستأصل گفت: «مگه اون‌بار نرفتیم. چه گلی به سرمون زدن؟ هان؟! مگه ندیدی خواستگار دخترم معصوم (معصومه) رو هم گرفتن؟! به جوون بیچاره گفتن قاچاقچی. چی بود بار لنجش؟ چند تا طاقه پارچه‌ی شرمن* و چند شیشه‌ی ویمتو*.»
جاسم با آستین دشداشه‌اش* زنگوله‌های عرق پیشانی‌اش را پاک کرد و ترک لب‌های خشکیده‌اش را از زور خشم گاز گرفت.
یک آن معصوم، دختر جاسم را از روی موهای باد دید.
انگاری بخواهد به خودش یادآوری کند، اما باد بشنود، گفت: «دخترو توی نخلستون خرماچینه تا کمک بوآش باشه.»
باد متعجبانه گفت: «اونی که روی صخره‌ی پلاژ* ایستاده، معصوم نیسته؟!»
-چرا، خوشه*.
باد با یک چرخش رسید به شیله* معصوم و یک‌ذره از عالم را نشاند توی صورتش. بعد هم توی رود اشک‌های معصوم دنباله‌ی موهای سیاه و بلندش را به بازی گرفت، شاید تسلی خاطرِ دلِ تنگِ دختر شود.
یک‌ذره از عالم ترک‌های تنش از اشک‌های معصوم سیراب شدند. توی قطره‌ی اشک معصوم خودش را آزاد و رها ساخت. غلتید و غلتید و روی ترکِ تنِ صخره فروافتاد. از ترک تن صخره، موی سبز جلبک‌ها روییده بودند.
باد گفت: «بخوای همین‌جا بمونی، هزار سال بایستی، صخره می‌شی. بزنی به موجا اونا معلوم نیسته کجا ببرنت؟ بمونی بهترته، عامو. با ذره‌های دیگه صخره می‌شی. ترک‌هات گیاه میده.»
توضیح:
عامو: در جنوب به‌نوعی مورد خطاب قراردادن یک نفر است.
خومون: خودمون.
جُفره: نام ساحلی در بوشهر.
لِنج: کشتی چوبی ماهیگیری.
ترال: صید ترال کشتی‌های چینی در خلیج‌فارس.
بوآ: بابا.
پارچه شرمن: نوعی پارچه براق.
ویمتو: شربت غیرالکلی عربی.
دشداشه: پیراهن بلند و سفید عربی.
پلاژ: اسکله.
خوشه: خودشه.
شیله: روسری عربی.

داستان کودک



ای کاش غول می‌شدم!

به قلم: رها فلاحی(نویسنده کودک)

بابای رها برای مدتی به مسافرت رفته بود. او برای انجام کارهایش به شهری خیلی دور، رفته بود. هر چند رها روزانه چند بار با پدرش تلفنی حرف می‌زد، اما هیچ از دلتنگی‌اش کم نمی‌شد.
یک شب که بعد از نیم ساعت تلفنی حرف زدن با پدرش به رختخوابش رفت که بخوابد، با خودش فکر کرد چه خوب می‌شد که یک غول خیلی بزرگ بود و می‌توانست با برداشتن چند قدم پیش پدرش می‌رفت و او را می‌دید تا دلتنگی‌هایش تمام شود.
با این فکر و خیال‌ها به خواب رفت.
در خواب رها، غول خیلی بزرگی شد. تمام شهر را با برداشتن یک قدم رد می‌کرد.
با پنج شش قدم دیگر به شهری که پدرش بود، رسید و پدرش را دید.
ولی به جای اینکه از دلتنگی‌اش کم شود، هیچ که نشد، بیشتر هم شد!...
چرا؟!
چون که رها آنقدر بزرگ بود که پدرش نتوانست او را بغل کند. حتی نتوانست صورت او را ببوسد، چه برسد که موهایش را شانه کند.
رها خیلی غصه خورد.
توی خواب به گریه افتاد و آرزو کرد که هیچوقت غول نمی‌شد.
هنوز آرزویش را به زبان نیاورده بود که با صدای مادرش، از خواب بیدار شد.
مادرش پرسید که خواب بدی دیدی؟!
رها جواب داد که خواب دیده غول خیلی بزرگی شده و ماجرای خوابش را تعریف کرد.
مادرش غمگینانه لبخندی زد و دستی به صورت رها کشید.
رها نگاهی به دست و پا و بدن خودش انداخت و خدا رو شکر کرد که خودش است و غول نیست.



داستان



زندگی برهنه‌ی یک زنجیر شیرین

به قلم: سید روح‌الله مجتهدی (فرهیخته فرهنگی)

قسمت اول:
مگس با عشوه پر می‌زند از روی میز عکاس طرف پایم. شبیه آدم‌ها موقع قر دادن وسط عروسی. وقتی حشره پا می‌گذارد روی پایم جای عطر وانیل بوی تعفن می‌زند زیر دماغم. به گمانم این مگس‌ها همیشه دهن‌شان تلخ باشد. خیمه زدن‌شان روی شیرینی وکثافت علت دیگری نمی‌تواند داشته باشد. پای شیرینم را تکان می‌دهم از قوزک به پایین حشره گورش را گم کند. دیگر یک ماهی هست پایم شیرین شده. شبیه نان قندی یا شیرینی آلمانی. از نوک انگشت بگیر برو تا زیر زانو. یکی دو هفته‌ی اول زیاد ککم هم نمی‌گزید. آدمی مثل من چه فرقی می‌کند تمام تنش شیرینی باشد یا الماس یا مدفوع خشکیده؟ اما یک غروب گرسنگی بدجور فشار آورد. از وقتی پایم شکری شد شامه‌ام هم مثل سگ قوی شده. بوی شیرینی آلمانی مدام می‌زد زیر دماغم. حوصله‌ی غذا درست کردن نداشتم. با ترس و لرز یک نوک انگشت از پوست پایم را بریدم گذاشتم دهانم. خیلی چسبید. یاد بچگی افتادم. یک خاطره‌ی خوشمزه و دور. در عرض چند ثانیه اما سق و زبانم با هم شد زهرمار. از همان لحظه پایم شروع کرده به گزگز. مخصوصا شب‌ها آزارش زیاد می‌شود. نیمه‌شب از خواب می‌پرم. ترس برم می‌دارد نکند پا ندارم؟ تنم حسابی از عرق سرد خیس می‌شود. یواش دست می‌برم سمت زانو. حس می‌کنم یک نفر من را به‌زور نشانده جلوی دوربین یک عکاس بدهیبت. مثل قطع نخاعی‌ها قفل و زنجیر می‌شوم به تخت. با اینکه مطمئنم بیدارم هرکار می‌کنم نمی‌توانم تکان بخورم. حرف هم نمی‌توانم بزنم. تلخی دهانم جلوی نفس کشیدنم را هم می‌گیرد. این‌جاست که شروع می‌کنم به فریاد زدن. اما به جز یک زوزه‌ی حیوان‌طور چیزی از گلویم بیرون نمی‌آید. وقتی قشنگ به حال مرگ می‌رسم یک دفعه همه چیز بر می‌گردد سر جایش. یک دست نامرئی زنجیرها را از روی قفسه‌ی سینه‌ام برمی‌دارد. بوی شیرینی تازه دوباره همه جا را پر می‌کند. آن وقت نمی‌فهمم کی خوابم می‌برد.
مگس را که می‌پرانم سمج بازی در نمی‌آورد. با مناعت‌طبع می‌لغزد در هوا سمت بغل‌دستی لندوکم میان صف دراز و پرغلغله‌ی عکاسی. یک رگه نور غبار گرفته از پنجره‌ی آشنای پشت سر عکاس افتاده مستقیم روی سرش. کلافه مگس را می‌پراند. صورتش فریاد می‌زند می‌خواهد سر صحبت را باز کند. یک خبری از آینده درون سینه‌اش هست که باید با کسی در میان بگذارد. سری که اگر نگوید آخرین شانس نجات بشریت به خطر می‌افتد. اولش با هم دعوای‌مان شد. می‌خواست از من بزند جلو . جلویش در آمدم که: ((آهای جانور دوپا! فرق اول انسان و حیوان این است که آدمیزادعرضه دارد صف ببندد تو همین را هم نمی‌فهمی؟)) حشره چرخ می‌زند بالای رد زخم زیر گردن مرد. یک لحظه آرام می‌کند بیاید پایین ولی می‌رود می‌نشیند همان جای پهن شدن رگه‌ی نور روی موهایش . می‌چرخد می‌چرخد می‌چرخد آن‌قدر که سرم گیج می‌رود. نگاهم را برمی‌گردانم طرف صورت کناردستی‌ام. تنش بوی تند عرق می‌دهد. کم شباهتی هم با شتر ندارد. مخصوصا لب و دهانش اصل جنس است. سگرمه‌اش بد جور در هم رفته. مدام دست می‌کند توی جیبش. یک چیزی را محکم فشار می‌دهد. صدای خش خش لباسش خلقم را تنگ می‌کند. زخم بی‌خوابی‌ام شروع می‌کند به تیر کشیدن.
فلج خوابی شبانه‌ام که زبانه کشید دیدم نمی‌شود محلش نگذاشت. یک وقت واقعا توی خواب ریق رحمت را سر می‌کشم و بعد آتش‌نشانی و جنازه و لشکر بی‌نهایت مگس و شکستن در والذاریات. این به کنار هوس ناخنک زدن به زیر زانو بد جور افتاده بود به جانم. همین شد شال و کلاه کردم رفتم بیمارستان دولتی سر خیابان. دختری که از پشت شیشه‌ی کانتر پذیرشم کرد شبیه طوطی بود. یک طوطی با چسب سفیدی روی دماغ که حسابی شیرینش کرده‌بود. دیدم دوست دارم تا هر وقت بتوانم به بهانه‌ی شرح‌حال برایش حرف بزنم. او هم زل زد به دهانم. آدم که بیفتد روی دور حرف زدن دیگر زبانش دست خودش نیست. یک مرتبه جریان نان قندی شدن زانو به پایینم از دهنم در رفت.
تا این کلام از دهانم بیرون آمد تکان خورد. گفت:((میشه توی این بیمارستان پذیرش نشید؟)) صدایم را نرم کردم و گفتم دوست ندارم هیچ بیمارستان دیگری پذیرش بشوم و اگر همچین اشتباهی ازمن سر زد امیدوارم یک نفر چنان لگدی بزند به همین پای خوش‌عطر و خوراکم که تا خود سرازیری قبر نتوانم قدم از قدم بردارم. این را که گفتم عینکش را چسباند به دماغش. روی کاغذ زیر دستش با خودکار چند خط در هم و بر هم کشید. تلفنی خیلی آهسته با یک نفر که معلوم بود ازش حساب می‌برد صحبت کرد. به دقیقه نرسیده دو نفر قلچماق از پشت سر آمدند سراغم. دختر با من و من گفت:((نگران نباشید مسئول صیانت اجتماعی بیمارستان می‌خوان فقط چندتا سوال ساده بکنن ازتون)) راه افتادیم سمت زیرزمین. قبل از رفتن برگشتم نگاهش کردم. مقنعه‌اش را زده بود بالا یقه‌ی مانتو را مرتب کند. روی گردن سفیدش رد زخم ناسور شده‌ای پیدا بود. یک طوری نگاهم کرد یعنی دیدار به قیامت

ضرب المثل های بوشهری به زبان انگلیسی



به کوشش: حسین دریانورد (مدرس آیلتس و مکالمه زبان انگلیسی)

پیل علف هرز نیس
money does not grow on trees
پول علف خرس نیست یا علف هرز؟

در گفتگوهای روزانه ما فارسی زبانان، ضرب المثل جایگاه ویژه ای دارد، اما گاهی ما از ضرب المثلی در گفتارمان یاری می جوییم که شاید معنی آن را ندانیم و درباره ریشه و خاستگاه آن بی خبر باشیم.

کاملا درسته که در میان مردم رایج است که می گویند پول علف خرس نیست در صورتی که این اشتباه است، زیرا خرس علف نمی خورد، باید بگوییم *پول علف هرز نیست*

و این ضرب المثل به این معنی است که پول با زحمت به دست می آید و نباید آن را بی ارزش شمرد و بیهوده خرج کرد.

اما برخی هم بر این باورند که علف خرس نام دیگری از گیاه زالزالک است؛ این گیاه جزء خوردنی های خرس می باشد و خود به خود این گیاه رشد می کند و نیازی به کود و کارهای خاصی نیست، در همه جا هم یافت می شود و این خرس بدون ذره ای تلاش آنرا پیدا می کند و می خورد و شکمش را هم سیر می کند.

پول علف خرس نیست یعنی پول مثل خوراک خرس نمی باشد، اگر تند تند خرجش کنی و به فکر فردایت نباشی یا اگر پول های به دست آمده را زود خرج کنی دوباره جایگزین نمی شود و ممکن است زود تر از هر وقت دیگری تمام شود و بی غذا بمانی پس قدر پول هایی که به دست می آوری را بدان.

درامدی بر گویش بوشهری



واژگان بوشهری

به کوشش: عبدالحسین احمدی ریشهری

اخسک. axsak: بی خیالی به حرف و خواسته دیگران را می رساند: با آن کار زشت و نادرستی کرده بود و هر چه باهاش صحبت کردم اصلا اخسکش نیامد.

ادکلی. adkeli: الکی، همینطوری، حرف سربه هوا زدن.

اردک. ardak: گرده، گرده درخت سدر، آردوک هم گفته شده، اردک مخفف آردک است.

ضرب المثل های بوشهری

با یک من عسل نمیشه خوردش: بدخلقی شخص را می رساند.

ببینم فیت تو یا فیت من: ببینم تو در کارت موفق می شوید یا من، فیت (fit)، به معنی پیروزی و موفقیت در انجام کاری است که دو نفری جداگانه دنبال آنرا گرفته باشند.

دریاکنار
سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان



دربی تمام شد؛ فوتبال زنان ماند و یک دنیا فاصله تا آسیا

اسدالله سالاری (روزنامه نگار؛ ورزشی نویس)

نخستین رویارویی رسمی استقلال و پرسپولیس در فوتبال زنان، اتفاقی فراتر از یک مسابقه معمولی بود. حضور دو باشگاه پرطرفدار فوتبال ایران در لیگ زنان، فرصتی فراهم کرد تا بخشی از ظرفیت اجتماعی و رسانه‌ای فوتبال زنان بیشتر دیده شود. پیروزی ۲ بر یک پرسپولیس در این مسابقه، فارغ از نتیجه، نشان داد که نام و اعتبار باشگاه‌های بزرگ می‌تواند توجه مخاطبان بیشتری را به این بخش از فوتبال جلب کند.

اما اهمیت این اتفاق زمانی بیشتر می‌شود که حضور استقلال و پرسپولیس به یک رویداد مقطعی و تبلیغاتی محدود نماند. فوتبال زنان برای رشد به تیم‌داری مستمر، برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری واقعی نیاز دارد. تماشاگرانی که به واسطه نام این دو باشگاه به ورزشگاه می‌آیند، باید در ادامه نیز شاهد رقابتی باکیفیت و مسابقاتی منظم باشند. استقبال از یک دربی می‌تواند نقطه شروع خوبی باشد، اما حفظ مخاطب به کیفیت مسابقات و استمرار فعالیت باشگاه‌ها وابسته است.

نتایج هفته‌های اخیر لیگ نیز نشان می‌دهد که رقابت در فوتبال زنان ایران تنها به چند تیم محدود نیست. شکست ۲ بر یک پرسپولیس مقابل گل‌گهر سیرجان، پس از پنج پیروزی پیاپی، نمونه‌ای از همین رقابت است. گل‌گهر با استفاده از فرصت‌های خود توانست تیمی را شکست دهد که شروع قدرتمندی در لیگ داشت. چنین نتایجی می‌تواند به جذابیت مسابقات کمک کند، به شرط آنکه کیفیت فنی تیم‌ها در طول فصل حفظ شود و اختلاف سطح میان مدعیان و سایر تیم‌ها به شکل محسوسی کاهش پیدا کند.

با این حال، فاصله فوتبال زنان ایران با سطح اول آسیا همچنان یکی از موضوعات جدی و قابل تأمل است. نتایج خاتون بم در دو مسابقه آسیایی، بار دیگر این فاصله را به نمایش گذاشت. شکست ۴ بر یک برابر لئونسا کوبه ژاپن و باخت ۶ بر یک مقابل ناگوهیانگ کره شمالی، در مجموع با دریافت ۱۰ گل و به ثمر رساندن دو گل همراه بود. خاتون بم از تیم‌های باسابقه و پرافتخار فوتبال زنان ایران است و حضور چنین تیمی در رقابت‌های آسیایی اهمیت زیادی دارد؛ اما همین نتایج نشان می‌دهد موفقیت در رقابت‌های داخلی، به‌تنهایی برای رقابت با تیم‌های قدرتمند قاره کافی نیست.

فاصله موجود را نباید فقط به توانایی بازیکنان یا عملکرد یک تیم نسبت داد. فوتبال حرفه‌ای مجموعه‌ای از عوامل به‌هم‌پیوسته است؛ از کیفیت آموزش و تمرین گرفته تا آمادگی جسمانی، امکانات، آنالیز، مسابقات تدارکاتی، تغذیه، پزشکی ورزشی و ثبات اقتصادی باشگاه‌ها. هر کدام از این بخش‌ها اگر به اندازه کافی جدی گرفته نشود، در سطح بالاتر خودش را نشان می‌دهد.

یکی از موضوعات مهم، سطح دانش مربیان و ضرورت به‌روزرسانی روش‌های تمرینی است. فوتبال امروز با گذشته تفاوت زیادی دارد و روش‌های آماده‌سازی بازیکنان، طراحی تمرین، تحلیل مسابقه و مدیریت تاکتیکی با سرعت در حال تغییر است. مربیگری در سطح حرفه‌ای تنها به تجربه حضور در زمین یا شناخت بازیکنان محدود نمی‌شود. مربیان باید فرصت داشته باشند دانش خود را به‌روز کنند و با روش‌های جدید آموزش و تمرین آشنا شوند.

استفاده از دانش مربیان خارجی نیز نباید صرفاً به استخدام یک سرمربی غیربومی خلاصه شود. برگزاری دوره‌های عملی با حضور مدرسان بین‌المللی، ایجاد فرصت تعامل مربیان ایرانی با کادرهای باتجربه خارجی و انتقال دانش روز می‌تواند اثر ماندگارتری داشته باشد. هدف باید ارتقای توان فنی مربیان داخلی باشد تا این دانش در باشگاه‌ها و رده‌های مختلف فوتبال زنان جریان پیدا کند.

در کنار آموزش مربیان، استعدادیابی نیز باید از حالت محدود و مقطعی خارج شود. استعدادهای فوتبال زنان تنها در چند شهر یا میان بازیکنان شناخته‌شده متمرکز نیستند. مناطق مختلف کشور ظرفیت‌های قابل توجهی دارند که ممکن است به دلیل نبود امکانات، مسابقات منظم یا ارتباط مناسب با باشگاه‌ها دیده نشوند. شناسایی بازیکنان مستعد در استان‌ها و مناطق کمتر برخوردار، برگزاری اردوهای ارزیابی و ایجاد ارتباط میان هیئت‌های استانی و باشگاه‌ها می‌تواند دامنه انتخاب بازیکنان را گسترده‌تر کند.

این شناسایی زمانی نتیجه می‌دهد که بازیکنان مستعد پس از کشف شدن، مسیر مشخصی برای آموزش و پیشرفت داشته باشند. فوتبال زنان برای ساختن آینده خود به پشتوانه‌ای نیاز دارد که از سنین پایین شکل بگیرد. تشکیل تیم‌های نوجوانان و جوانان، حضور مربیان متخصص در این رده‌ها، فراهم کردن زمین و امکانات تمرینی مناسب و برگزاری مسابقات مستمر استانی و کشوری، بخش جدایی‌ناپذیر این مسیر است. نمی‌توان از تیم‌های بزرگسالان انتظار رقابت در سطح آسیا داشت، در حالی که بازیکنان جوان از یک نظام آموزشی و مسابقاتی منظم برخوردار نیستند. باشگاه‌ها باید برای پرورش بازیکنان پایه برنامه داشته باشند و فدراسیون نیز با طراحی مسابقات منظم و نظارت بر اجرای برنامه‌ها، شرایط رشد آنان را فراهم کند

فوتبال زنان ایران نباید به حضور در مسابقات داخلی و ثبت چند نتیجه قابل توجه محدود بماند. هدف باید ساختن تیم‌هایی باشد که بتوانند در آسیا رقابت کنند؛ بازیکنانی که از مسیر آموزش اصولی به سطح حرفه‌ای رسیده‌اند و مربیانی که دانش و امکانات لازم برای هدایت آنان را در اختیار دارند. رسیدن به چنین جایگاهی با یک پیروزی در دربی یا موفقیت مقطعی یک باشگاه اتفاق نمی‌افتد؛ این مسیر به تصمیم‌های درست و استمرار در عمل نیاز دارد.

بازیکنان باید بتوانند پس از طی مراحل آموزشی، به‌تدریج به تیم‌های بزرگسالان راه پیدا کنند. استعدادیابی، بازیکن مستعد را پیدا می‌کند؛ اما این فوتبال پایه است که او را آموزش می‌دهد، پرورش می‌دهد و برای حضور در رقابت حرفه‌ای آماده می‌کند.

موضوع دیگری که در عملکرد تیم‌ها اهمیت دارد، آمادگی جسمانی بازیکنان است. فوتبال امروز به توان هوازی، قدرت، سرعت، استقامت، چابکی و توانایی تکرار حرکات پرفشار در طول مسابقه نیاز دارد. برنامه بدنسازی باید متناسب با شرایط بازیکنان و نیازهای فنی فوتبال طراحی شود و با ارزیابی‌های علمی، میزان پیشرفت یا ضعف بازیکنان مورد بررسی قرار گیرد. نمی‌توان بدون داده‌های تخصصی، افت بدنی را علت قطعی شکست یک تیم دانست؛ اما نمی‌توان نقش آمادگی جسمانی را نیز در رقابت‌های سطح بالا نادیده گرفت.

تیم‌هایی که می‌خواهند در آسیا رقابت کنند، به بازی‌های تدارکاتی باکیفیت نیاز دارند. حضور در اردوهای مشترک، شرکت در تورنمنت‌های بین‌المللی و برگزاری دیدارهای دوستانه با تیم‌های ملی و باشگاهی کشورهای صاحب‌سبک، بازیکنان را با سرعت، قدرت و شیوه بازی حریفان متفاوت آشنا می‌کند. چنین مسابقاتی فرصتی برای محک زدن توان واقعی تیم و شناسایی نقاط ضعف پیش از رقابت‌های رسمی است. نمی‌توان انتظار داشت بازیکنی که بیشتر تجربه‌اش به مسابقات داخلی محدود بوده، بدون آمادگی و مواجهه قبلی با سبک‌های متفاوت فوتبال، در برابر تیم‌های قدرتمند آسیایی عملکردی هم‌سطح داشته باشد.

آنالیز فنی و تاکتیکی نیز باید جایگاه جدی‌تری در برنامه تیم‌ها پیدا کند. بررسی ویدئویی مسابقات، شناخت نقاط قوت و ضعف حریف، تحلیل عملکرد بازیکنان خودی و اصلاح اشتباهات تاکتیکی، بخشی از فوتبال حرفه‌ای است. استفاده از ابزارهای تحلیل داده و ویدئو می‌تواند به مربیان کمک کند تصمیم‌های دقیق‌تری بگیرند و تمرین‌ها را بر اساس نیازهای واقعی تیم طراحی کنند. این کار نباید فقط برای مسابقات مهم آسیایی انجام شود؛ بلکه باید به روالی مستمر در طول فصل تبدیل شود.

در کنار تمرین و مسابقه، توجه به پزشکی ورزشی، تغذیه و ریکاوری نیز ضروری است. بازیکنان برای حفظ آمادگی و کاهش خطر آسیب‌دیدگی به نظارت تخصصی نیاز دارند. حضور پزشک، فیزیوتراپیست و متخصص تغذیه، توجه به خواب و استراحت، برنامه بازتوانی پس از آسیب و بررسی وضعیت جسمانی بازیکنان، کیفیت عملکرد تیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این خدمات نباید امکاناتی تشریفاتی تلقی



شوند؛ بخشی از الزامات فعالیت حرفه‌ای هستند.

البته اجرای چنین برنامه‌هایی بدون پشتوانه اقتصادی امکان‌پذیر نیست. بسیاری از باشگاه‌ها برای تأمین هزینه‌های تیم‌داری با محدودیت روبه‌رو هستند و فوتبال زنان در مقایسه با فوتبال مردان از سهم کمتری از منابع مالی و امکانات برخوردار است. قراردادهای بازیکنان، پرداخت منظم دستمزد، زمین تمرین مناسب، تجهیزات، اردوها و خدمات تخصصی، همگی هزینه دارند. بازیکنی که از آینده شغلی و دریافت به‌موقع مطالبات خود اطمینان ندارد، نمی‌تواند تمام تمرکز خود را بر پیشرفت ورزشی بگذارد. ثبات مالی باشگاه‌ها و ایجاد امنیت شغلی برای بازیکنان، از پیش‌شرط‌های رشد این رشته است.

فدراسیون فوتبال نیز در این میان مسئولیت مهمی بر عهده دارد. توسعه فوتبال زنان تنها با برگزاری لیگ و اعلام جدول مسابقات محقق نمی‌شود. ارتقای استانداردهای برگزاری، حمایت از تیم‌های پایه، نظارت بر تعهدات باشگاه‌ها، فراهم کردن فرصت‌های بین‌المللی و برنامه‌ریزی برای آموزش مربیان و داوران باید در دستور کار قرار گیرد. فدراسیون می‌تواند با تدوین برنامه‌ای مشخص و قابل ارزیابی، باشگاه‌ها را به سرمایه‌گذاری در فوتبال زنان و ایجاد ساختارهای پایدار تشویق کند.

رسانه‌ها نیز نباید فوتبال زنان را فقط هنگام برگزاری دربی یا پس از شکست در رقابت‌های آسیایی به یاد بیاورند. پوشش مستمر لیگ، معرفی بازیکنان، بررسی مشکلات باشگاه‌ها و پرداختن به دستاوردها و ضعف‌های فنی، به شناخته‌شدن این رشته کمک می‌کند. توجه رسانه‌ای زمانی ارزشمند است که به یک جریان پیوسته تبدیل شود و فرصت دیده‌شدن را تنها در اختیار چند مسابقه خاص قرار ندهد.

دربی استقلال و پرسپولیس نشان داد فوتبال زنان ظرفیت جلب توجه عمومی را دارد؛ شکست پرسپولیس مقابل گل‌گهر از رقابتی‌تر شدن لیگ خبر داد و نتایج خاتون بم در آسیا بار دیگر فاصله موجود با سطح اول قاره را یادآوری کرد. این اتفاقات در کنار هم تصویری از وضعیت امروز فوتبال زنان ایران ارائه می‌کنند؛ رشته‌ای که ظرفیت رشد و برخورداری از مخاطب را دارد، اما برای رسیدن به جایگاه شایسته خود به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اصلاحات جدی در بخش‌های مختلف نیازمند است.

اخبار کوتاه ورزشی

گناوه به‌عنوان هشتمین شهر فعال کشور معرفی شد



تفاهم‌نامه اجرای طرح شهر فعال میان فدراسیون ورزش‌های همگانی و شهرداری گناوه به امضا رسید و این شهر، به‌عنوان هشتمین شهر فعال کشور معرفی شد.

در مراسمی با حضور علی خلیلی رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی، موسی کشتکار مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر، محمدحسن محمدی شهردار گناوه و محمدحسین زاهدی‌فرد رئیس هیئت ورزش‌های همگانی استان، تفاهم‌نامه اجرای طرح شهر فعال در گناوه به امضای رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی و شهردار این شهر رسید.

در این مراسم، گناوه به‌عنوان هشتمین شهر فعال کشور معرفی شد و فعالیت خود را در چارچوب این طرح آغاز کرد.

طرح شهر فعال رویکردی یکپارچه برای تبدیل فعالیت بدنی به بخشی از زندگی روزمره شهروندان است. در این رویکرد، مدیریت شهری، نهادهای حوزه سلامت، ورزش و آموزش و همچنین جامعه محلی برای ایجاد محیطی ایمن، در دسترس و انگیزه‌بخش با یکدیگر همکاری می‌کنند.

استفاده از ظرفیت شهرداری‌ها نیز از مهم‌ترین اقداماتی است که برای گسترش ورزش همگانی و توسعه فعالیت بدنی در سطح شهرها مورد توجه قرار گرفته است.

تاکنون شهرهای اصفهان، تبریز، بهشهر، گرگان، سمنان، رشت، بندر انزلی و گناوه به طرح شهر فعال پیوسته‌اند.

نخستین المپیادساحلی دانش‌آموزی کشور در بوشهر برگزار می‌شود

نشست هماهنگی نخستین المپیاد ساحلی دانش‌آموزی با حضور موسی کشتکار مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر، معاون تربیت بدنی و سلامت اداره‌کل آموزش و پرورش استان و رؤسای هیئت‌های والیبال، هندبال و فوتبال برگزار شد.

در این نشست، صادق عبداللهی رئیس هیئت ورزش‌های دانش‌آموزی استان بوشهر، با اشاره به تفاهم‌نامه منعقدشده میان اداره‌کل ورزش و جوانان و آموزش و پرورش در سال گذشته اظهار داشت: بر اساس این تفاهم‌نامه، برنامه‌ریزی برای برگزاری نخستین المپیاد ورزشی ساحلی در سه رشته هندبال، فوتبال و والیبال انجام شده است.

وی افزود: این المپیاد ورزشی در نیمه دوم آذرماه و در رده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال برگزار می‌شود.

عبداللهی ادامه داد: رقابت‌ها ابتدا در سطح شهرستانی برگزار خواهد شد و برگزیدگان هر شهرستان در مرحله استانی حضور می‌یابند.

رئیس هیئت ورزش‌های دانش‌آموزی استان بوشهر، استعدادیابی در رده‌های پایه و هدایت دانش‌آموزان مستعد به سمت ورزش قهرمانی را از اهداف برگزاری این رقابت‌ها عنوان کرد.

موسی کشتکار مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر نیز در این نشست از اداره‌کل آموزش و پرورش و هیئت ورزش‌های دانش‌آموزی برای همکاری در برگزاری این المپیاد ساحلی قدردانی کرد و گفت: توسعه ورزش‌های ساحلی و استعدادیابی از اهداف اصلی این مسابقات است.

وی افزود: این المپیاد می‌تواند سکوی پرتابی برای حضور ورزشکاران مستعد در عرصه قهرمانی رشته‌های ساحلی باشد.

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر در ادامه بر ساماندهی بانک اطلاعاتی ورزشکاران شرکت‌کننده تأکید کرد و گفت: باید این ورزشکاران شناسایی و در مسیر ورزش قهرمانی هدایت شوند.

گفتنی است این المپیاد ساحلی برای نخستین بار در سطح کشور برگزار می‌شود و مرحله شهرستانی آن با حضور بیش از ۳ هزار ورزشکار انجام خواهد شد.



آغاز طرح محله‌محور کاروان خدمت جوانان در استان بوشهر



جعفر بدری معاون امور جوانان اداره‌کل ورزش و جوانان استان بوشهر، از آغاز طرح محله‌محور کاروان خدمت جوانان در روستاهای کم‌برخوردار استان خبر داد و گفت: این طرح با هدف گسترش دسترسی روستاییان به خدمات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و ورزشی و با مشارکت بخش‌های مختلف حوزه ورزش و جوانان اجرا می‌شود.

بدری اظهار کرد: در راستای رویکرد محله‌محور دولت در ارائه خدمات اجتماعی، تلاش شده است ظرفیت‌ها و امکانات اداره‌کل ورزش و جوانان از طریق تیم‌های تخصصی به مناطق کم‌برخوردار روستایی منتقل شود تا ساکنان این مناطق بتوانند از خدمات متنوع آموزشی، مشاوره‌ای و ورزشی بهره‌مند شوند.

وی افزود: در قالب این برنامه، ۱۰ روستا در ۱۰ شهرستان استان بوشهر میزبان کاروان خدمت جوانان خواهند بود و مجموعه‌ای از برنامه‌ها و خدمات متناسب با نیازهای مختلف گروه‌های سنی در این مناطق اجرا می‌شود.

معاون امور جوانان اداره‌کل ورزش و جوانان استان بوشهر با تشریح برنامه‌های پیش‌بینی‌شده بیان کرد: برگزاری کارگاه‌های آموزشی ازدواج، خانواده و مهارت‌های زندگی، آموزش هوش مصنوعی و رباتیک، صنایع دستی، نجوم و رصد ستارگان، از جمله بخش‌های آموزشی این طرح است.

بدری ادامه داد: ایستگاه‌های پایش سلامت، مشاوره خانواده و ازدواج، آموزش و رفع اشکالات تحصیلی، برنامه‌های جنگ شادی، آیین‌های سنتی ازدواج و ایستگاه‌های ورزش و سلامت نیز در روستاهای هدف برپا خواهد شد.

وی با اشاره به آغاز این طرح در شهرستان دشتستان گفت: نخستین مرحله کاروان خدمت جوانان با همت معاونت امور جوانان استان و همراهی دفتر هماهنگی و نظارت بر امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، روزهای ۱۴ و ۱۵ آبان‌ماه در روستاهای بخش بوشکان شهرستان دشتستان برگزار شد.

معاون امور جوانان اداره‌کل ورزش و جوانان استان بوشهر خاطرنشان کرد: اجرای این برنامه با بهره‌گیری از ظرفیت مجموعه‌های تخصصی حوزه ورزش و جوانان، زمینه دسترسی ساکنان روستاهای کم‌برخوردار به خدمات متنوع آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی را فراهم می‌کند.

مجمع عمومی هیئت ورزش‌های همگانی استان بوشهر برگزار شد

مجمع عمومی هیئت ورزش‌های همگانی استان بوشهر با حضور علی خلیلی رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی، موسی کشتکار مدیرکل ورزش و جوانان استان و سایر اعضای مجمع برگزار شد.

موسی کشتکار مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر در این نشست با قدردانی از همراهی هیئت ورزش‌های همگانی در برگزاری رویدادهای ورزشی ملی و استانی، بر ضرورت گسترش فعالیت‌های این حوزه تأکید کرد و گفت: با توجه به فقر حرکتی در میان آحاد مردم استان، لازم است در نیمه دوم سال فعالیت‌های ورزش همگانی توسعه یابد.

وی توسعه ورزش در محلات با محوریت ورزش‌های همگانی را از اولویت‌های اداره‌کل ورزش و جوانان استان بوشهر دانست و تصریح کرد: رویدادهای ابلاغی وزارت ورزش و جوانان با مشارکت هیئت ورزش‌های همگانی در سطح استان اجرایی خواهد شد.

کشتکار همچنین با اشاره به جایگاه ایثار و فداکاری در تأمین امنیت کشور اظهار داشت: جامعه ورزش استان مدیون جانفشانی رزمندگان و خون شهداست و اگر امروز امنیت در کشور وجود دارد، این امر حاصل آمادگی نیروهای مسلح کشور است.

در ادامه، محمدحسین زاهدی‌فرد رئیس هیئت ورزش‌های همگانی استان بوشهر گزارشی از عملکرد این هیئت در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ ارائه کرد و تشکیل شورای عالی ورزش استان به ریاست استاندار را از ضرورت‌های توسعه ورزش همگانی دانست.

وی اظهار کرد: برای توسعه و تعمیم ورزش‌های همگانی و خروج از فقر حرکتی، لازم است شورای عالی ورزش با حضور متولیان امر تشکیل شود تا درباره راهکارهای تحقق این هدف تصمیم‌گیری شود.

زاهدی‌فرد همچنین از اجرای تفاهم‌نامه شهر فعال با مشارکت شهرداری‌های استان خبر داد و گفت: طرح شهر فعال رویکردی یکپارچه برای تبدیل فعالیت بدنی به بخشی از زندگی روزمره شهروندان است و در این طرح مدیریت شهری، نهادهای حوزه سلامت، ورزش و آموزش و همچنین جامعه محلی برای ایجاد محیطی ایمن، در دسترس و انگیزه‌بخش با یکدیگر همکاری می‌کنند.

علی خلیلی رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی نیز در این مجمع از استقبال گسترده از رویداد ملی جام کوچه (گل کوچیک) خبر داد و اظهار کرد: تاکنون بیش از ۲۲ هزار تیم در این رقابت‌ها ثبت‌نام کرده‌اند که سهم استان بوشهر بیش از ۳ هزار تیم است و این استان از نظر تعداد تیم‌های ثبت‌نام‌شده در جمع سه استان برتر کشور قرار دارد.

وی با اشاره به مراحل برگزاری این رویداد افزود: مسابقات گل کوچک در پنج سطح منطقه، شهر، شهرستان، استان و کشور برنامه‌ریزی شده است و تیم‌های شرکت‌کننده پس از عبور از مراحل مقدماتی، امکان حضور در رقابت‌های سطوح بالاتر را خواهند داشت.

رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی با تأکید بر جایگاه گل کوچیک در فرهنگ ورزشی و اجتماعی مردم ایران تصریح کرد: گل کوچیک از ورزش‌های ریشه‌دار و مردمی کشور است و به‌عنوان یکی از نمادهای تحرک و ورزش همگانی در فرهنگ عمومی ایران شناخته می‌شود.

خلیلی با اشاره به برنامه‌ریزی برای برگزاری مرحله پایانی این رقابت‌ها گفت: فینال کشوری رویداد ملی کوچه گل کوچیک برای بهمن‌ماه برنامه‌ریزی شده است و تیم‌های برتر مراحل مختلف برای تعیین قهرمان کشور به رقابت خواهند پرداخت.

وی همچنین طرح‌های سپاس و سحر را از برنامه‌های ابلاغی وزارت ورزش و جوانان عنوان کرد که از سوی فدراسیون در حال اجراست و افزود: در قالب طرح ملی سحر، ۶ هزار مربی آموزش‌دیده از سوی فدراسیون ورزش‌های همگانی به‌صورت رایگان تا پایان سال در ایستگاه‌های ورزش صبحگاهی و عصرگاهی محلات شهرها و روستاهای کشور فعالیت خواهند کرد.

ورزش و جوانان

برنامه‌های جدید دولت برای ساختار، مسکن و اشتغال جوانان

علیرضا رحیمی در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی با برنامه «صف اول» شبکه خبر، با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری ساختارهای متولی امور جوانان در کشور اظهار داشت: شورای عالی جوانان در سال ۱۳۷۱ تشکیل شد و در سال ۱۳۷۷ به سازمان ملی جوانان تبدیل شد. این سازمان تا سال ۱۳۸۹ و پیش از ادغام با سازمان تربیت بدنی، در ساختار نهاد ریاست‌جمهوری فعالیت می‌کرد.

وی افزود: در سال ۱۳۸۹ با ادغام سازمان ملی جوانان و سازمان تربیت بدنی، وزارت ورزش و جوانان تشکیل شد. در همان زمان نیز برخی نمایندگان مجلس درباره احتمال آسیب دیدن حوزه جوانان در نتیجه این ادغام هشدار داده بودند. رحیمی با بیان اینکه طی ۱۶ سال گذشته دولت‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت اداره کشور را برعهده داشته‌اند، تصریح کرد: در گفت‌وگو با معاونان پیشین این مجموعه و مدیرانی که پیش از ادغام در سازمان ملی جوانان مسئولیت داشته‌اند، این دیدگاه مشترک وجود دارد که ادغام صورت‌گرفته به عملکرد حوزه جوانان لطمه وارد کرده و از کارایی و اثربخشی فعالیت‌های این بخش کاسته است.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به مطالعات انجام‌شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره ساختار مناسب حوزه جوانان و نوجوانان گفت: این مرکز طی یک سال گذشته با بررسی تجربه کشورهای مختلف، قوانین و وظایف دستگاه‌ها و همچنین بهره‌گیری از نظرات مدیران، کارشناسان و متخصصان حوزه جوانان، گزارشی کارشناسی درباره ساختار مناسب این حوزه تهیه کرده است.

وی ادامه داد: جمع‌بندی این مطالعات که حدود دو ماه پیش منتشر شد، بر این پیشنهاد استوار است که حوزه جوانان و نوجوانان در قالب سازمان ملی جوانان و نوجوانان و ذیل نهاد ریاست‌جمهوری فعالیت کند تا امکان سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، نظارت و مطالبه‌گری فرابخشی فراهم شود.

رحیمی با اشاره به برگزاری جلسه مشترک با حضور وزیر ورزش و جوانان و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس اظهار داشت: جمع‌بندی این جلسه بر ضرورت تقویت جایگاه ساختاری حوزه جوانان تأکید داشت. وزارت ورزش و جوانان با این جداسازی موافق است و بنده نیز معتقدم این حوزه برای ایفای مأموریت‌های خود به جایگاهی متناسب با ماهیت فرابخشی‌اش نیاز دارد.

وی با تأکید بر اینکه مسائل جوانان محدود به موضوعاتی مانند ازدواج و برگزاری کارگاه‌های آموزشی نیست، افزود: هویت دینی و ملی، مشارکت اجتماعی، اوقات فراغت، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال، مسکن، تشکیل خانواده و فرزندآوری از جمله موضوعاتی هستند که در حوزه جوانان باید به‌صورت یکپارچه مورد توجه قرار گیرند.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان تصریح کرد: برای مثال، تسهیل ازدواج صرفاً با پرداخت وام محقق نمی‌شود و موضوعاتی مانند مسکن، اشتغال و شرایط اقتصادی نیز در آن نقش دارند. بنابراین لازم است نهادی در دولت وضعیت موجود را رصد کند، تکالیف دستگاه‌ها را مطالبه کند و بر اساس اطلاعات دقیق، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کلان انجام دهد.

رحیمی با تأکید بر اینکه نقش دولت در این حوزه باید بیشتر بر تولیت، سیاست‌گذاری و نظارت متمرکز باشد تا تصدی‌گری اجرایی، خاطرنشان کرد: برای نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه‌هایی مانند وزارت اقتصاد و بانک مرکزی، باید جایگاه و اختیارات متناسب وجود داشته باشد؛ موضوعی که در ساختار فعلی وزارتخانه با محدودیت‌هایی مواجه است.

وی از ارائه پیشنهاد ساختار جدید به رئیس‌جمهور خبر داد و گفت: رئیس‌جمهور پس از بررسی دقیق و برگزاری جلسه‌ای چندساعته، دستور دادند موضوع با جدیت پیگیری شود. همچنین به بنده به‌عنوان دبیر شورای عالی جوانان و نوجوانان مأموریت داده شد که پیگیری‌های لازم برای عملیاتی شدن این طرح را انجام دهم.

رحیمی با اشاره به همراهی وزیر ورزش و جوانان در این مسیر افزود: در حال حاضر موضوع در تعامل با دستگاه‌های ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان اداری و استخدامی، در حال پیگیری است و تلاش می‌کنیم با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و اجرایی موجود، از جمله ظرفیت ماده ۱۰۵ شورای عالی اداری، مسیر عملیاتی شدن آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن دنبال کنیم.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در بخش دیگری از این گفت‌وگو با ارائه آماری از وضعیت ازدواج و طلاق در کشور اظهار داشت: روند ثبت ازدواج در کشور تا سال ۱۳۸۹ صعودی بود و در این سال با ثبت حدود ۸۹۱ هزار ازدواج به اوج خود رسید، اما پس از آن روند نزولی آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

وی افزود: در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۳۰ هزار ازدواج در کشور ثبت شده و در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نیز تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده به حدود ۲۰۴ هزار مورد رسیده است.

رحیمی با اشاره به اهمیت بررسی شاخص‌های تعدیل‌شده جمعیتی گفت: یکی از شاخص‌های قابل استناد، تعداد ازدواج به ازای هر ۱۰۰ زن مجرد در سن ازدواج است که بر اساس آمار ارائه‌شده، این شاخص از ۳.۸۴ و ۳.۷۲ در سال‌های گذشته به ۳.۱۶ در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته است.

وی همچنین با اشاره به کاهش نرخ طلاق بر اساس شاخص تعداد طلاق به ازای هر ۱۰۰ زن متأهل اظهار داشت: این شاخص از ۰.۹۱ در سال ۱۴۰۰ به ۰.۸ در سال ۱۴۰۴ رسیده است. این آمارها نشان می‌دهد که بررسی وضعیت ازدواج و طلاق باید با نگاه کارشناسی و مبتنی بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی انجام شود.

پرداخت ۱۱۶ همت وام ازدواج در نیمه نخست سال ۴۷۸ هزار نفر در صف انتظار

رحیمی با اشاره به وضعیت تسهیلات ازدواج در کشور گفت: در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ تا پایان شهریورماه، حدود ۱۱۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات ازدواج از سوی بانک‌های عامل پرداخت شده است، اما همچنان حدود ۴۷۸ هزار نفر در صف دریافت این تسهیلات قرار دارند و مدت انتظار برای برخی متقاضیان به بیش از شش ماه رسیده است.

وی با بیان اینکه دولت و مجلس با وجود شرایط اقتصادی کشور، پرداخت تسهیلات ازدواج را متوقف نکرده‌اند، افزود: بانک‌ها در مجموع بخش قابل توجهی از تکالیف خود را انجام داده‌اند، اما به دلیل عقب‌ماندگی ایجادشده در مقطعی از زمان، همچنان صف قابل توجهی از متقاضیان باقی مانده است.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به دستور رئیس‌جمهور و حمایت بانک مرکزی برای کاهش این صف اظهار امیدواری کرد که تا پایان سال جاری، تعداد افراد در انتظار دریافت وام ازدواج به حداقل برسد.

وی در ادامه با طرح این پرسش که آیا تسهیلات فعلی ازدواج متناسب با شرایط اقتصادی و نرخ تورم می‌تواند انگیزه کافی برای تشکیل خانواده ایجاد کند، پیشنهاد داد سازوکارهای حمایتی به‌گونه‌ای طراحی شوند که زوجین بتوانند متناسب با نیاز خود از تسهیلات موجود استفاده کنند.

اجرای طرح پایلوت تأمین مسکن زوجین جوان در پنج شهر

رحیمی با اشاره به اینکه اشتغال و مسکن از مهم‌ترین موانع پیش روی ازدواج جوانان هستند، از پیگیری طرحی برای فراهم کردن امکان تأمین مسکن زوجین جوان خبر داد و گفت: پیشنهاد ما این است که زوجین بتوانند با اختیار خود، میان دریافت وام ازدواج به شکل فعلی یا استفاده از منابع حمایتی در قالب یک طرح مشخص تأمین مسکن انتخاب کنند.

وی توضیح داد: در این الگو، منابع وام ازدواج در کنار تسهیلات نهضت ملی مسکن و آورده محدود زوجین تجمیع می‌شود تا امکان تحویل واحد مسکونی در یک پروژه مشخص و با زمان‌بندی قابل اندازه‌گیری فراهم شود.

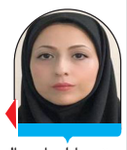
معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به پیگیری این موضوع با حمایت وزیر ورزش و جوانان اظهار داشت: در این طرح، استفاده از زمین‌های متعلق به وزارت ورزش و جوانان، دریافت مجوزهای لازم از شورای عالی شهرسازی و وزارت راه و شهرسازی و آماده‌سازی زمین‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

وی افزود: در حال حاضر پنج شهر به‌عنوان پایلوت انتخاب شده‌اند، زمین‌های موردنظر مشخص شده و شرکت مشاور نیز برای پیشبرد مطالعات و اجرای طرح انتخاب شده است. هدف این است که امکان اجرای عملیاتی این الگو بررسی و در صورت موفقیت، زمینه توسعه آن در سایر شهرها فراهم شود.

رحیمی با تأکید بر اینکه این طرح جایگزین اجباری وام ازدواج نیست، گفت: انتخاب میان دریافت تسهیلات ازدواج یا استفاده از ظرفیت طرح مسکن باید با اختیار زوجین انجام شود. همچنین در طراحی این الگو، موضوعاتی مانند سن ازدواج و حمایت بیشتر از زوجین جوان‌تر و پیش‌بینی مشوق‌هایی در ارتباط با فرزندآوری مورد توجه قرار گرفته است.

معاون امور جوانان در بخش دیگری از این برنامه، درباره پیشنهاد ایجاد بانک تخصصی جوانان نیز اظهار داشت: در حال حاضر منابع مختلفی در حوزه تسهیلات اشتغال‌زایی جوانان، وام ازدواج و فرزندآوری وجود دارد که می‌توان با بررسی ظرفیت‌های قانونی، زمینه تجمیع و ساماندهی خدمات مالی مرتبط با جوانان را فراهم کرد.

دریاکنار
۵
سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان



در بازارهای مالی، بعضی درس‌ها را می‌توان با مطالعه آموخت؛

اشتباهات رایج تازه‌واردها در فارکس؛ هشت درسی که حرفه‌ای‌ها با هزینه آموخته‌اند

به قلم: دکتر سوده مهبودی (تحلیگر بازارهای مالی)

«در بازارهای مالی، بعضی درس‌ها را می‌توان با مطالعه آموخت؛ بعضی دیگر را معامله‌گرها با پرداخت هزینه یاد می‌گیرند. حرفه‌ای‌شدن یعنی هزینه این درس‌ها را تا حد امکان کمتر کنیم.»

ورود به بازار فارکس برای بسیاری از تازه‌واردها با ترکیبی از هیجان، کنجکاوی و انتظار برای کسب درآمد آغاز می‌شود. نمودارها، اعداد، اخبار اقتصادی و امکان استفاده از اهرم، بازار را جذاب و در عین حال پیچیده می‌کنند. اما بسیاری از معامله‌گران نه به دلیل ندانستن اصول تحلیل، بلکه به دلیل تکرار اشتباهات ساده و قابل پیشگیری، سرمایه و اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهند. معامله‌گر تازه‌کار معمولاً می‌خواهد سریع‌تر معامله کند، سود بیشتری بگیرد و زیان‌های خود را زودتر جبران کند. در مقابل، معامله‌گر حرفه‌ای به دنبال ساختن فرآیندی است که بتواند بارها و بارها آن را تکرار کند. تفاوت این دو رویکرد، گاهی نه در میزان دانش، بلکه در نحوه برخورد با ریسک، هیجان و اشتباهات است. هشت اشتباه زیر، از رایج‌ترین دام‌هایی هستند که می‌توانند مسیر یک معامله‌گر تازه‌وارد را از همان ماه‌های نخست تغییر دهند.

۱. معامله بیش از حد؛ وقتی «بیشتر» به معنای «بهتر» نیست

یکی از نخستین وسوسه‌های معامله‌گر تازه‌کار این است که تصور کند هرچه معاملات بیشتری انجام دهد، فرصت بیشتری برای کسب سود خواهد داشت. اما بازار همیشه فرصت مناسب ارائه نمی‌کند. گاهی بهترین تصمیم، انجام ندادن هیچ معامله‌ای است. معامله بیش از حد (Overtrading) زمانی رخ می‌دهد که معامله‌گر بدون وجود یک موقعیت باکیفیت، صرفاً برای اینکه در بازار فعال باشد وارد معامله می‌شود. این رفتار می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد: هیجان، بی‌حوصلگی، تلاش برای جبران زیان قبلی یا تصور اینکه تعداد بیشتر معاملات مساوی با درآمد بیشتر است. مشکل اینجاست که هر معامله هزینه و ریسک دارد. اسپرد، کمیسیون، لغزش قیمت و مهم‌تر از همه احتمال زیان، با افزایش تعداد معاملات بیشتر در معرض تصمیم‌های اشتباه قرار می‌گیرند. معامله‌گر حرفه‌ای به جای پرسیدن این سؤال که «امروز چند معامله انجام دادم؟»، بیشتر به این فکر می‌کند که «آیا معاملاتی که انجام دادم، با استراتژی من مطابقت داشتند؟» درس اول: هدف، پیدا کردن تعداد بیشتری معامله نیست؛ پیدا کردن معاملات باکیفیت‌تر است.

۲. اهرم؛ ابزاری قدرتمند که می‌تواند علیه معامله‌گر عمل کند

اهرم یکی از ویژگی‌هایی است که فارکس را برای بسیاری از معامله‌گران جذاب می‌کند. با استفاده از اهرم، معامله‌گر می‌تواند با سرمایه‌ای کمتر، موقعیتی بزرگ‌تر در بازار کنترل کند. اما همین ویژگی می‌تواند سرعت زیان را نیز افزایش دهد. یک اشتباه رایج این است که معامله‌گر، اهرم در دسترس را با اهرمی که باید استفاده کند، یکی بداند. این دو کاملاً متفاوت‌اند. اهرم بالا لزوماً به معنای سود بیشتر نیست؛ بلکه به معنای افزایش قدرت کنترل موقعیت و در نتیجه افزایش حساسیت حساب نسبت به تغییرات قیمت است. اگر حجم معامله متناسب با سرمایه و حد ریسک تعیین نشده باشد، یک حرکت نامطلوب بازار می‌تواند بخش قابل‌توجهی از حساب را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل، استفاده حرفه‌ای از اهرم بیشتر به کنترل اندازه موقعیت مربوط است تا تلاش برای بزرگ‌تر کردن سود. درس دوم: اهرم باید در خدمت مدیریت ریسک باشد، نه جایگزین سرمایه کافی و مدیریت‌سرمایه.

۳. نداشتن پلن معاملاتی؛ تصمیم‌گیری در لحظه

یکی از تفاوت‌های اساسی میان معامله‌گر حرفه‌ای و تازه‌کار، نحوه تصمیم‌گیری آنها پیش از ورود به معامله است. تازه‌کار ممکن است ابتدا نمودار را ببیند، سپس به دنبال دلیلی برای خرید یا فروش بگردد. معامله‌گر حرفه‌ای معمولاً برعکس عمل می‌کند: ابتدا چارچوب تصمیم‌گیری خود را مشخص کرده و سپس بررسی می‌کند که آیا بازار با آن چارچوب سازگار است یا خیر. پلن معاملاتی (Trading Plan) می‌تواند مشخص کند:

چه بازاری یا چه جفت‌ارزی معامله شود؛

شرایط ورود چیست؛

چه زمانی نباید وارد معامله شد؛

حد ضرر کجا قرار می‌گیرد؛

هدف معامله چیست؛

چه میزان از سرمایه در معرض ریسک قرار می‌گیرد؛

در چه شرایطی معامله باید بسته شود.

نبودن چنین چارچوبی باعث می‌شود تصمیم‌ها در لحظه و تحت تأثیر احساسات گرفته شوند. در این حالت، معامله‌گر ممکن است برای ورود یک دلیل داشته باشد، برای نگه‌داشتنِ معامله دلیلی دیگر و برای خروج، تصمیمی کاملاً متفاوت. درس سوم: پلن معاملاتی برای پیش‌بینی بازار ساخته نمی‌شود؛ برای کنترل رفتار معامله‌گر ساخته می‌شود.

۴. بی‌توجهی به مدیریت سرمایه؛ حتی بهترین استراتژی هم مصون نیست

ممکن است تحلیل یک معامله‌گر درست باشد، اما معامله همچنان با زیان بسته شود. این موضوع بخشی طبیعی از بازار است. هیچ استراتژی معتبری نمی‌تواند همه معاملات را برنده کند. به همین دلیل، مدیریت سرمایه نقشی اساسی در بقای معامله‌گر دارد. یکی از اشتباهات رایج تازه‌واردها این است که برای هر معامله، درصد بزرگی از سرمایه خود را در معرض ریسک قرار می‌دهند. گاهی نیز حجم معامله بر اساس میزان پولی که می‌خواهند به دست آورند تعیین می‌شود، نه میزان زیانی که حاضرند بپذیرند. این رویکرد می‌تواند چند زیان متوالی را به ضربه‌ای جدی برای حساب تبدیل کند. در یک رویکرد حرفه‌ای، معامله‌گر ابتدا می‌پرسد: «اگر این معامله اشتباه باشد، چقدر حاضر هستم از دست بدهم؟» سپس بر اساس همین پاسخ، حجم معامله تعیین می‌شود. درس چهارم: مدیریت سرمایه تضمین سود نیست؛ سازوکاری برای زنده ماندن هنگام اشتباه است.

۵. اعتماد به سیگنال‌های نامعتبر؛ واگذاری تصمیم به دیگران

رشد شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها باعث شده دسترسی به سیگنال‌های معاملاتی بسیار آسان شود. یک پیام کوتاه مانند «خرید»، «فروش» یا «هدف قیمت فلان» ممکن است ساده و جذاب به نظر برسد؛ اما سؤال مهم این است: این تصمیم بر چه مبنایی گرفته شده است؟ سیگنالی که بدون توضیح درباره منطق معامله، شرایط بازار، نقطه ابطال سناریو و مدیریت ریسک ارائه می‌شود، لزوماً نمی‌تواند مبنای یک تصمیم حرفه‌ای باشد. مشکل بزرگ‌تر زمانی ایجاد می‌شود که معامله‌گر به تدریج توانایی تصمیم‌گیری مستقل خود را از دست بدهد و مسئولیت نتیجه معاملات را به شخص یا کانال دیگری واگذار کند. حتی اگر یک سیگنال در چند معامله موفق باشد، این موفقیت به تنهایی اعتبار یک سیستم معاملاتی را اثبات نمی‌کند. معامله‌گر باید بتواند بداند چرا وارد معامله می‌شود، چه چیزی تحلیل او را نقض می‌کند و اگر شرایط تغییر کرد چه خواهد کرد. درس پنجم: سیگنال می‌تواند یک ایده باشد؛ اما نباید جایگزین تفکر و مسئولیت معامله‌گر شود.

۶. تصمیم‌های هیجانی؛ وقتی معامله‌گر از پلن خود فاصله می‌گیرد

ترس و طمع دو احساس شناخته‌شده در بازار هستند، اما مشکل فقط خود احساسات نیست. مشکل زمانی آغاز می‌شود که احساسات، فرآیند تصمیم‌گیری را کنترل کنند. پس از یک زیان، معامله‌گر ممکن است بخواهد سریعاً ضرر خود را جبران کند. پس از چند معامله موفق نیز ممکن است اعتمادبه‌نفس او بیش از حد افزایش یابد و ریسک بیشتری بپذیرد. در هر دو حالت، یک اتفاق مشترک رخ می‌دهد: قواعد قبلی دیگر اجرا نمی‌شوند. معامله‌گر ممکن است حد ضرر را جابه‌جا کند، حجم معامله را افزایش دهد، بدون سیگنال وارد بازار شود یا معامله‌ای را که باید بسته شود، صرفاً به امید بازگشت قیمت نگه دارد. این رفتارها معمولاً با یک جمله آغاز می‌شوند: «این بار شرایط فرق دارد.» اما بازار برای تصمیم‌های احساسی پاداش ویژه‌ای در نظر نگرفته است. درس ششم: نظم معاملاتی یعنی اجرای قواعد، مخصوصاً زمانی که انجام این کار از نظر روانی دشوار است.

۷. نداشتن ژورنال معاملاتی؛ فراموش کردن گذشته

یکی از ساده‌ترین ابزارهای رشد معامله‌گر، ژورنال معاملاتی (Trading Journal) است؛ با این حال بسیاری از تازه‌واردها آن را جدی نمی‌گیرند. ژورنال فقط فهرستی از معاملات سودده و زیان‌ده نیست. یک ژورنال مناسب می‌تواند شامل اطلاعاتی مانند این موارد باشد:

دلیل ورود به معامله؛

شرایط بازار؛

نقطه ورود و خروج؛

حد ضرر و هدف؛

حجم معامله؛

نتیجه معامله؛

احساسات معامله‌گر هنگام تصمیم‌گیری؛

میزان پایبندی به پلن.

بعد از مدتی، این اطلاعات به معامله‌گر اجازه می‌دهد الگوهای رفتاری خود را ببیند. شاید مشخص شود که بیشترین زیان‌ها پس از چند معامله متوالی رخ داده‌اند. شاید معامله‌گر متوجه شود که در ساعات خاصی عملکرد ضعیف‌تری دارد. یا شاید بفهمد که بیشتر زیان‌ها نه از استراتژی، بلکه از تغییر دادن قوانین در میانه معامله ناشی شده‌اند. بدون ثبت داده، بسیاری از این الگوها در حافظه محو می‌شوند. درس هفتم: ژورنال معاملاتی، حافظه بازار نیست؛ آینه رفتار معامله‌گر است.

۸. توقف نکردن پس از زیان‌های متوالی؛ جایی که معامله باید متوقف شود

چند معامله زیان‌ده پشت سر هم، لزوماً به معنای خراب بودن یک استراتژی نیست. اما ادامه دادن معاملات در شرایطی که معامله‌گر از نظر روانی یا مالی از کنترل خارج شده است، می‌تواند خطرناک باشد. یکی از رفتارهای رایج پس از زیان‌های متوالی، افزایش حجم معامله با هدف جبران سریع ضرر است. در این شرایط، تصمیم جدید دیگر صرفاً بر اساس تحلیل بازار گرفته نمی‌شود؛ بلکه هدف پنهان آن بازگرداندن پول ازدست‌رفته است. این همان نقطه‌ای است که «معامله» می‌تواند به «انتقام از بازار» تبدیل شود. برای جلوگیری از این چرخه، داشتن یک حد توقف می‌تواند مفید باشد؛ مثلاً توقف معاملات پس از تعداد مشخصی زیان متوالی، رسیدن زیان روزانه به سقف تعیین‌شده یا مشاهده شرایطی که معامله‌گر دیگر قادر به اجرای منظم پلن خود نیست. توقف کردن به معنای شکست نیست. گاهی بهترین معامله، معامله‌ای است که انجام نمی‌شود. درس هشتم: وقتی کنترل از بین می‌رود، فاصله گرفتن از بازار بخشی از مدیریت ریسک است.

اشتباهات به هم مرتبط‌اند

این هشت اشتباه را نباید هشت مشکل کاملاً جدا از هم تصور کرد. در بسیاری از موارد، آنها یک زنجیره تشکیل می‌دهند: زیان ، تصمیم هیجانی ، افزایش حجم ،معامله بیش از حد ، زیان بیشتر ، تلاش برای جبران از بین رفتن نظم یا: نداشتن پلن ورود بدون دلیل مشخص زیان تغییر حد ضرر افزایش ریسک از دست رفتن کنترل به همین دلیل، اصلاح یک رفتار می‌تواند از شکل‌گیری چند اشتباه دیگر جلوگیری کند. اگر معامله‌گر پیش از هر معامله بداند چرا وارد می‌شود، چه میزان ریسک می‌کند، چه زمانی باید خارج شود و چه شرایطی او را از معامله منصرف می‌کند، بسیاری از تصمیم‌های لحظه‌ای از ابتدا حذف خواهند شد.

حرفه‌ای‌ها هم اشتباه می‌کنند

تصور اشتباهی وجود دارد که معامله‌گر حرفه‌ای کسی است که دیگر اشتباه نمی‌کند. واقعیت متفاوت است. معامله‌گر حرفه‌ای نیز ممکن است تحلیل اشتباه داشته باشد، معامله زیان‌ده انجام دهد یا حتی تحت تأثیر احساسات قرار گیرد. تفاوت اصلی در این است که سیستم او برای محدود کردن پیامد این اشتباهات طراحی شده است. هدف حرفه‌ای‌شدن، رسیدن به نقطه‌ای نیست که هیچ معامله‌ای زیان‌ده نباشد. هدف، ایجاد فرآیندی است که در آن:

زیان‌ها قابل کنترل باشند؛

اشتباهات قابل شناسایی باشند؛

رفتارهای تکرارشونده ثبت شوند؛

تصمیم‌ها بر اساس قواعد مشخص گرفته شوند؛

و یک اشتباه، توانایی ادامه فعالیت در بازار را از بین نبرد.

در واقع، حرفه‌ای‌گری در بازار بیش از آنکه درباره «درست بودن همیشگی» باشد، درباره مدیریت درست زمانی است که اشتباه می‌کنیم.

نگاه حرفه‌ای

بازار به معامله‌گری که بیشتر تلاش می‌کند، لزوماً پاداش نمی‌دهد؛ به معامله‌گری که بهتر تصمیم می‌گیرد هم تضمین سود نمی‌دهد. آنچه می‌توان کنترل کرد، فرآیند است: میزان ریسک، حجم معامله، شرایط ورود و خروج، ثبت معاملات و واکنش به زیان. اگر یک معامله‌گر بتواند اشتباهات خود را محدود کند و از هر اشتباه اطلاعاتی برای بهبود فرآیندش استخراج کند، زیان نیز می‌تواند به بخشی از مسیر یادگیری تبدیل شود. در بازار، هدف این نیست که هیچ‌وقت اشتباه نکنیم؛ هدف این است که یک اشتباه، به فاجعه تبدیل نشود.

اشتباه رایج

«برای جبران ضرر، معامله بعدی را بزرگ‌تر می‌کنم.» این یکی از خطرناک‌ترین الگوهای رفتاری در معامله‌گری است. زیان قبلی، هیچ تعهدی برای بازار ایجاد نمی‌کند که معامله بعدی حتماً سودده باشد. افزایش حجم فقط برای جبران ضرر، معمولاً میزان ریسک را افزایش می‌دهد و می‌تواند معامله‌گر را وارد چرخه‌ای از زیان‌های بزرگ‌تر کند.

قاعده ساده: حجم معامله جدید باید بر اساس شرایط معامله و قواعد مدیریت سرمایه تعیین شود، نه بر اساس میزان ضرر معامله قبلی.

جمع‌بندی

ورود به فارکس شبیه یادگیری یک مهارت پیچیده است. هیچ‌کس با چند معامله موفق، معامله‌گر حرفه‌ای نمی‌شود و هیچ معامله‌گری نیز از زیان مصون نیست. اما می‌توان هزینه یادگیری را کاهش داد. شناخت اشتباهات رایج، داشتن پلن معاملاتی، مدیریت سرمایه، ثبت معاملات و توانایی توقف در زمان مناسب، مجموعه‌ای از عادت‌هایی هستند که می‌توانند فاصله میان یک تازه‌وارد هیجانی و یک معامله‌گر منظم را به‌تدریج کاهش دهند. در نهایت، بازار هر روز فرصت تازه‌ای ایجاد می‌کند؛ اما تنها معامله‌گری می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند که سرمایه، نظم و توانایی تصمیم‌گیری خود را برای روز بعد حفظ کرده باشد

اخبار فرهنگی

کاهش هم‌زمان ازدواج و طلاق در استان بوشهر؛ طلاق ۱۱.۳ درصد کمتر شد



مدیرکل ثبت‌احوال استان بوشهر از کاهش آمار وقایع ازدواج و طلاق در شش‌ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داد و گفت: تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در استان ۶.۷ درصد و تعداد طلاق‌ها ۱۱.۳ درصد کاهش داشته است.

به گزارش دریاکنار و نقل از روابط عمومی ثبت‌احوال استان بوشهر، حیدر عمرانی با تشریح آمار ازدواج و طلاق در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ اظهار داشت: در این مدت ۲ هزار و ۵۰۱ واقعه ازدواج در استان بوشهر به ثبت رسیده که در مقایسه با ۲ هزار و ۶۸۲ واقعه ازدواج ثبت‌شده در مدت مشابه سال ۱۴۰۴، کاهش ۶.۷ درصدی را نشان می‌دهد.

وی افزود: همچنین در شش‌ماهه نخست امسال ۹۵۶ واقعه طلاق در استان به ثبت رسیده است که این رقم در مقایسه با یک‌هزار و ۷۸ واقعه طلاق در مدت مشابه سال گذشته، بیانگر کاهش ۱۱.۳ درصدی است.

میانگین سن ازدواج در استان

مدیرکل ثبت‌احوال استان بوشهر در ادامه به میانگین سن ازدواج در استان اشاره کرد و گفت: میانگین سن ازدواج مردان در شش‌ماهه نخست سال جاری ۲۸.۸ سال و زنان ۲۴.۶ سال بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، میانگین سن ازدواج مردان کاهش یافته و برای زنان بدون تغییر مانده است.

عمرانی خاطرنشان کرد: میانگین سن ازدواج در استان بوشهر برای مردان و زنان همچنان بالاتر از میانگین کشوری است؛ به‌گونه‌ای که این شاخص در سطح کشور برای مردان ۲۸.۴ سال و برای زنان ۲۴.۱ سال گزارش شده است.

کاهش میانگین سن طلاق در استان

وی در بخش دیگری از سخنان خود به میانگین سن طلاق در استان اشاره کرد و اظهار داشت: میانگین سن مردان در زمان طلاق طی شش‌ماهه نخست سال جاری ۳۹.۸ سال و برای زنان ۳۴.۹ سال بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، برای مردان و زنان کاهش داشته است.

مدیرکل ثبت‌احوال استان بوشهر افزود: میانگین سن طلاق در استان برای هر دو گروه مردان و زنان پایین‌تر از میانگین کشوری است؛ به‌طوری‌که این شاخص در کشور برای مردان ۴۰.۲ سال و برای زنان ۳۵.۴ سال ثبت شده است.

عمرانی در پایان تأکید کرد: آمارهای دقیق و مستند ثبت‌احوال از وقایع ازدواج و طلاق، یکی از منابع مهم شناخت تحولات جمعیتی و اجتماعی استان است و می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه خانواده و مسائل جمعیتی قرار گیرد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر از محکومیت ۲۸ متهم در پرونده رشوه ۳.۵ میلیون یورویی در استان بوشهر خبر داد



رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر از صدور احکام محکومیت برای ۲۸ متهم در پرونده رشوه ۳.۵ میلیون یورویی خبر داد و از بازگشت ۸۴ میلیون یورو به‌اضافه ضبط ضمانت‌نامه و دریافت خسارت تأخیر ۲ همتی در یکی از پرونده‌های اقتصادی استان خبر داد.

به گزارش دریاکنار، مهدی مهرانگیز (رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر)، با تشریح بخشی از عملکرد دستگاه قضایی استان، اظهار کرد: بوشهر با وجود برخورداری از نزدیک به ۷۱۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای حوزه خلیج فارس، به برکت تلاش و مجاهدت نیروهای اطلاعاتی، سپاه و سایر نهادهای امنیتی و انتظامی، یکی از امن‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌رود.

وی با اشاره به عملکرد دستگاه قضایی در نیمه نخست سال افزود: استان بوشهر در ۶ ماهه نخست سال جاری موفق به کسب رتبه نخست کشور در کاهش پرونده‌های مسن و معوق شده و حدود ۹۳ درصد از پرونده‌های رسوبی کاهش یافته است.

رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر همچنین از تحقق بیش از ۹۰ درصدی شاخص‌های رضایت‌مندی عمومی و اتقان آرا خبر داد و گفت: این عملکرد، استان را در زمره استان‌های نمونه کشور قرار داده است.

مهرانگیز در ادامه به اقدامات دستگاه قضایی در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی و صیانت از حقوق عامه اشاره کرد و گفت: در پرونده رشوه ۳.۵ میلیون یورویی، برای ۲۸ نفر حکم محکومیت صادر شده است.

وی از دیگر اقدامات مهم قضایی استان را صدور رأی برای بازگرداندن ۸۴ میلیون یورو، ضبط یک‌ونیم همت ضمانت‌نامه و همچنین دریافت ۲ همت خسارت تأخیر به نفع مجتمع گاز عنوان کرد.

به گفته وی، ابطال اسناد ۱۳۸ هکتار از اراضی تصرف‌شده و بازگرداندن آن به دولت نیز از دیگر اقدامات انجام‌شده در راستای صیانت از حقوق عمومی بوده است.

رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر در بخش دیگری از سخنان خود به پرونده قاچاق سوخت اشاره کرد و افزود: در پرونده محموله ۱۴ میلیون لیتری سوخت متعلق به سپاه، با صدور رأی قطعی، احکام ضبط محموله، حبس و جزای نقدی صادر شده است.

مهرانگیز همچنین از صدور اسناد مالکیت ۱۶ هزار هکتار از اراضی در حوزه وزارت نفت و تحویل آن به وزیر نفت خبر داد و گفت: صدور اسناد ۱۸ هزار هکتار دیگر نیز در دست اقدام است.

وی در پایان، ورود دستگاه قضایی به موضوع عوارض آلایندگی و کاهش میزان آن از ۸.۹ میلیون مترمکعب به ۵.۹ میلیون مترمکعب با همکاری دادستان‌های استان را از دیگر اقدامات مؤثر در حوزه حقوق عامه برشمرد.



جادوی حرکت در عصر دیجیتال؛ چرا «بازی‌های حرکتی» زیربنای یادگیری و پیشرفت تحصیلی در پایه اول هستند؟

به قلم: اکرم میرمحمدی (آموزگار ابتدایی)

در سال‌های اخیر، همگام با پیشرفت فناوری و گسترش ابزارهای دیجیتال، فضای رشد کودکان دچار دگرگونی عمیقی شده است. اگر روزی کوچه‌ها و حیاط خانه‌ها میدان اصلی بازی، دویدن و تجربه‌های حسی-حرکتی کودکان بود، امروز صفحه‌های درخشان گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها به همدم خاموش و ثابتِ فرزندان ما بدل شده‌اند. این تغییر سبک زندگی، اگرچه سرعت دسترسی به سرگرمی‌ها را بیشتر کرده، اما بهای سنگینی از سلامت جسمانی، روانی و شناختی کودکان ما طلب کرده است؛ بهای سنگینی که نشانه‌های نگران‌کننده‌ی آن را هر روز بیش از گذشته در کلاس‌های درس، به‌ویژه در پایه اول ابتدایی، مشاهده می‌کنیم.

پدیده‌ای به نام «بحران سکون» در نسل جدید

بسیاری از والدین و حتی برخی از مربیان، بازی‌های حرکتی (مانند دویدن، پریدن، لی‌لی کردن و توپ‌بازی) را ابزاری صرفاً تفریحی برای تخلیه انرژی اضافی کودک می‌دانند. این نگاه تقلیل‌گرایانه باعث شده تا سکونِ طولانی‌مدت کودکان پای تبلت و تلویزیون، خطری جدی تلقی نشود.

اما از منظر علوم اعصاب (Neuroscience) و روان‌شناسی رشد، حرکت، زادگاهِ تفکر است. کودک پیش از آنکه با «ذهن» خود بیاموزد، با «بدن» خود جهان را کشف می‌کند. وقتی کودکی ساعت‌ها بدون تحرک در مقابل صفحه‌نمایش می‌نشیند، از تجربه‌ی حسی-حرکتی محروم می‌شود؛ محرومیتی که مستقیماً به تضعیف ساختارهای عصبی مغز، افت توجه و بروز مشکلات جدی در یادگیری پایه منجر می‌گردد. از عضلات درشت تا نورون‌های مغزی؛ پیوند ناگسستنی حرکت و یادگیری

چرا یک معلم پایه‌ی اول، این‌قدر روی بازی‌های حرکتی و ساده‌ای مثل توپ‌بازی تأکید دارد؟ پاسخ در مسیر تکامل مغز انسان نهفته است. مراکز کنترل حرکتی در مغز، هم‌جوار و در تعامل تنگاتنگ با مراکز یادگیری، تفکر و پردازش زبان هستند. هنگامی که کودک بدن خود را در فضا حرکت می‌دهد، در حال سیم‌کشی و تقویت مسیرهای عصبی مغز خود است.

این ارتباط معنادار را می‌توان در چند حوزه‌ی کلیدی زیر تحلیل کرد:

۱. هماهنگی عصبی-عضلانی؛ پلی به سوی توجه و تمرکز:

کودکی که بازی‌های حرکتیِ پویا انجام می‌دهد، می‌آموزد چگونه پیام‌های مغزی را به عضلات منتقل کند و بازخورد بگیرد. تقویت هماهنگی چشم و دست یا چشم و پا، مستقیماً بر «توجه انتخابی» و «تمرکز مستمر» اثر می‌گذارد. بسیاری از دانش‌آموزانی که در کلاس درس دچار حواس‌پرتی هستند یا نمی‌توانند آرام بنویسند، در واقع با ضعف در یکپارچگی حسی-حرکتی مواجه‌اند. مغزی که هنوز نتواند تعادل مرکز ثقل بدن را مدیریت کند، به سختی می‌تواند تمرکز خود را روی حفظ تعادلِ نگاه و تفکر بر روی متن کتاب حفظ کند.



۲. زیربنای پنهانِ مهارت‌های نوشتن و خواندن:

یکی از شایع‌ترینِ چالش‌ها در پایه‌ی اول ابتدایی، خستگی زودهنگام دست، فشار بیش از حد به مداد یا بددست خط بودن نوآموزان است. والدین معمولاً تصور می‌کنند برای رفع این مشکل باید تمرین نوشتن را بیشتر کنند؛ در حالی که ریشه این مشکل اغلب در «ضعف هماهنگی بزرگ‌حرکتی» است. پیش از آنکه عضلات ریز انگشتان دست توانایی کنترل مداد را پیدا کنند، عضلات بزرگ شانه، بازو و تنه باید در بستر بازی‌های حرکتی تقویت شده باشند. همچنین، درک مفاهیم راست و چپ، بالا و پایین و جهات مختلف که از دل بازی‌های حرکتی (مانند لی‌لی یا مسابقه‌ی جهت‌یابی) بیرون می‌آید، سد دفاعی محکمی در برابر اختلالات خواندن و نوشتن (مانند وارونه‌نویسی یا جابه‌جایی حروف) ایجاد می‌کند.

۳. سازماندهی فضایی و هوش ریاضی:

حرکت، ابزار اصلی کودک برای درک مفهوم فضا و ابعاد است. کودکی که می‌پرد، می‌دود، می‌غلتد و از موانع عبور می‌کند، «بدن‌شناسی فضایی» را تجربه می‌کند. این درک بصری-حرکتی، بعدها به پایه‌ای استوار برای درک مفاهیم انتزاعی ریاضی، هندسه و حل مسئله تبدیل می‌شود.

راهکار چیست؟ از ممنوعیت مطلق تا «هم‌بازی بودن»

پاک کردن صورت مسئله و حذف کامل فناوری در دنیای امروز نه منطقی است و نه امکان‌پذیر؛ اما بازگرداندن تعادل به زندگی کودکان، رسالتی است که بر دوش ما (معلمان و والدین) قرار دارد.

سهم گوشی‌ها را محدود کنیم: زمان استفاده از صفحه‌نمایش باید قانونمند و بسیار محدود باشد.

محیط خانه را پویا کنیم: نیازی به امکانات پیچیده نیست؛ یک طناب برای پریدن، یک توپ کوچک برای قل دادن، یا خط کشیدن روی زمین برای لی‌لی کردن، ابزارهای بی‌نظیری هستند.

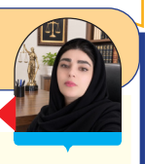
خودمان هم‌بازی شویم: کودکان به تنهایی انگیزه کافی برای تحرک ندارند. وقتی والدی دوشادوش فرزندش می‌دود یا مسابقه‌ی تعادل می‌گذارد، همزمان با تقویت جسم او، پیوند عاطفی عمیقی نیز شکل می‌دهد.

سخن پایانی

به عنوان کسی که سال‌هاست دست‌وپنجه نرم کردن کودکان با مشکلات یادگیری را از نزدیک دیده‌ام، با اطمینان می‌گویم: بسیاری از رنج‌های تحصیلی کودکان امروز، با دویدن، توپ‌بازی و حرکت‌های هدفمند در سال‌های خردسالی قابل پیشگیری است. بیایید گوشی‌ها را خاموش کنیم، از پشت نمایشگرها بیرون بیاییم و بگذاریم کودکانمان بار دیگر طعم شیرین «کودکی در حرکت» را بچشند.

به خاطر داشته باشیم: کودکی که آزادانه حرکت می‌کند، مغزی آماده‌تر، خلاق‌تر و هوشیارتر برای یادگیری می‌سازد.

کلاهبرداری رایانه‌ای؛ جرمی که ردپایش در داده‌هاست



به قلم: نرگس جودکی (کارآموز وکالت- ارشد جرم شناسی)

برای خالی کردن حساب بانکی یک نفر، همیشه لازم نیست کسی به خانه یا محل کار او برود. گاهی دستکاری اطلاعات یا سوءاستفاده از یک سامانه رایانه‌ای کافی است تا پول از حسابی خارج و به حساب دیگری منتقل شود.

کلاهبرداری رایانه‌ای چیست؟

وقتی کسی به‌طور غیرمجاز و با استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، از جمله با وارد کردن، تغییر یا محو داده‌ها یا مختل کردن سامانه، مال، وجه، منفعت یا خدمات مالی برای خود یا دیگری به دست آورد، مرتکب این جرم شده است. مثلاً کسی با دستکاری اطلاعات یک سامانه بانکی مبلغی را از حساب دیگری به حساب خود منتقل می‌کند. صاحب حساب ممکن است تا زمان بررسی گردش حساب هم متوجه نشود.

تفاوت با کلاهبرداری سنتی

در کلاهبرداری سنتی، مرتکب با وسایل متقلبانه اعتماد انسان را جلب می‌کند و مالش را می‌برد. در کلاهبرداری رایانه‌ای، محور رفتار مجرمانه استفاده غیرمجاز از سامانه برای تحصیل منفعت مالی است. به همین دلیل فریب خوردن مستقیم صاحب مال شرط نیست.

قانون چه می‌گوید؟

این رفتار در ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) که همان ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ است، جرم‌انگاری شده است. مجازات آن علاوه بر رد مال (بازگرداندن مال به صاحبش)، حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از ۱۶۵ تا ۸۲۵ میلیون ریال یا هر دو مجازات است. این مبلغ طبق تعدیل ۱۴۰۳ هیئت وزیران است و بر اساس ماده ۷۸۱ همان قانون، هر سه سال قابل تغییر است.

یک نکته مهم

هر کلاهبرداری اینترنتی، کلاهبرداری رایانه‌ای نیست. وقتی کسی با فریب، مثلاً از طریق فروشگاه جعلی یا قرعه‌کشی



واهی، قربانی را وادار به پرداخت می‌کند، معمولاً موضوع در قلمرو ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری قرار می‌گیرد. تشخیص عنوان مجرمانه به شیوه ارتکاب و ادله موجود بستگی دارد.

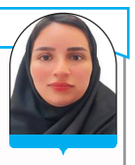
توصیه عملی

اگر قربانی شدید، بلافاصله گزارش بانکی بگیرید، مستندات را نگه دارید و به پلیس فتا یا دادسرا مراجعه کنید.

این یادداشت صرفاً با هدف آموزش و اطلاع‌رسانی حقوقی نوشته شده است و جایگزین مشاوره حقوقی و بررسی تخصصی مستندات و شرایط هر پرونده نیست.

گزارش

صدور آنی کارت سوخت در ۶ نقطه استان بوشهر؛ فرماندار از روند خدمات‌رسانی بازدید کرد



به قلم:تلاله قنبری (کارشناسی ارشد روابط عمومی)

فرماندار بوشهر با حضور در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه بوشهر از روند صدور آنی کارت هوشمند سوخت و نحوه ارائه خدمات به متقاضیان بازدید کرد؛ بازدیدی که طی آن بر تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات سوخت‌رسانی، نظارت بر عملکرد جایگاه‌ها و مدیریت بهینه مصرف فرآورده‌های نفتی تأکید شد.

به گزارش دریا کنار، مظفری در این بازدید که با همراهی معاون سیاسی فرمانداری و بخشدار انجام شد، ضمن بررسی فرآیند صدور کارت سوخت بر ضرورت تسهیل خدمات‌رسانی، پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان و نظارت مستمر بر عملکرد جایگاه‌های عرضه سوخت تأکید کرد.

فرماندار بوشهر با اشاره به فراهم شدن زیرساخت‌های صدور آنی کارت هوشمند سوخت در استان اظهار داشت: توسعه این خدمت نقش مؤثری در کاهش دغدغه شهروندان، تسهیل دسترسی به خدمات و مدیریت بهینه مصرف فرآورده‌های نفتی دارد.

مظفری در بخش دیگری از سخنان خود، نظارت مستمر بر نحوه عرضه سوخت در جایگاه‌ها را ضروری دانست و گفت: عملکرد جایگاه‌های عرضه سوخت به‌صورت مستمر رصد می‌شود و بازدیدهای نظارتی از جمله بازدیدهای نامحسوس با هدف ارزیابی کیفیت خدمات‌رسانی و شناسایی و رفع مشکلات احتمالی انجام می‌گیرد.

در ادامه این بازدید، حسین کاوه‌کوشا، مسئول هماهنگی و تمشیت امور شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه بوشهر با اشاره به فعالیت شبانه‌روزی مجموعه عملیاتی منطقه گفت: در حال حاضر تأمین فرآورده‌های نفتی استان بدون مشکل در حال انجام است و کارکنان این مجموعه در بخش‌های انبار نفت شهید غریبی، ناوگان حمل‌ونقل و جایگاه‌های عرضه سوخت به‌صورت مستمر فعالیت دارند.

وی افزود: امکان صدور آنی کارت هوشمند سوخت در شش نقطه شامل بوشهر، خارگ، گناوه، برازجان، عسلویه و دیر فراهم شده است. متقاضیان می‌توانند با مراجعه به سامانه FCS.NIOPDC.IR درخواست خود را ثبت کرده و با مراجعه به نزدیک‌ترین مرکز مجهز، کارت سوخت خود را ظرف مدت ۴۸ تا ۷۲ ساعت دریافت کنند.

کاوه‌کوشا همچنین با اشاره به استقرار کارت‌های اضطراری در جایگاه‌های عرضه سوخت، از شهروندان خواست تا حد امکان از کارت هوشمند سوخت شخصی خود استفاده کنند تا کارت‌های اضطراری برای موارد ضروری در دسترس باشند.

در پایان این بازدید، فرماندار بوشهر از تلاش کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه بوشهر در زمینه تأمین و توزیع پایدار سوخت و خدمات‌رسانی به شهروندان قدردانی کرد.

خط؛ هنری که از دل کلمه می‌آید

خط در هنر ایرانی؛ از ابزار نوشتن تا شاهکار بصری



به قلم: محسن بوالحسن (خبرنگار)

خط در ایران هیچ‌گاه تنها ابزار نوشتن نبوده؛ بلکه هنری مستقل و ارزشمند است که قرن‌هاست در معماری، نقاشی، سفالگری و کتاب‌آرایی جایگاهی بی‌بدیل دارد. در فرهنگ ایرانی، خط از همان ابتدا چیزی فراتر از ابزار انتقال پیام بوده است. در حالی که در بسیاری از فرهنگ‌های دیگر نوشتار صرفاً وسیله‌ای برای ثبت اطلاعات بود، در ایران خط به هنری مستقل تبدیل شد که استادانش همپایه نقاشان و معماران بزرگ ارزش داشتند. این نگاه ویژه به خط ریشه در فرهنگ اسلامی هم دارد؛ چرا که کلام الهی در قرآن، خود انگیزه‌ای قوی برای زیباسازی نوشتار بود. شاید برجسته‌ترین حضور خط در هنر ایرانی را بتوان در معماری دید. مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها و کاروانسراهای ایران پر از کتیبه‌های خطی هستند که نه تنها پیامی دارند بلکه خود بخشی از زیبایی بنا هستند. کاشی‌کاری‌های فیروزه‌ای مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان با آیات قرآنی به خط ثلث، یکی از زیباترین نمونه‌های ترکیب خط و معماری در جهان است. در این بناها خط دیگر تنها نوشته نیست بلکه عنصری بصری است که فضا را تعریف می‌کند.

یکی از درخشان‌ترین عرصه‌های خط ایرانی، کتاب‌آرایی و تذهیب است. نسخه‌های خطی ایرانی از قرن‌های گذشته از شاهکارهای هنری جهان محسوب می‌شوند. خطاطان بزرگ با دقتی باورنکردنی هر صفحه را می‌نوشتند و تذهیب‌کاران با طلا و رنگ‌های گوناگون حاشیه‌ها را می‌آراستند. شاهنامه شاه طهماسب، که در قرن شانزدهم میلادی نوشته شد، با بیش از دویست و پنجاه مینیاتور و خطاطی بی‌نظیر یکی از گران‌بهاترین کتاب‌های تاریخ بشر است. در دوران معاصر هنری نوین در ایران شکل گرفت که «نقاشیخط» نام دارد. در این هنر، خطاط دیگر تنها به دنبال خوانایی متن نیست بلکه حروف و کلمات به عناصر بصری تبدیل می‌شوند که ترکیبی زیبا می‌آفرینند. محمد احصایی، رضا مافی و چارلز حسین زندوی از پیشگامان این هنر هستند. نقاشیخط امروز در گالری‌های معتبر جهان به نمایش درمی‌آید و نشان می‌دهد که هنر خط ایرانی همچنان زنده و پویاست. خط ایرانی تنها بر کاغذ و دیوار نماند. سفالگران ایرانی از هزار سال پیش کلمات و عبارات زیبا را بر ظروف خود می‌نوشتند. کاسه‌ها و بشقاب‌های سفالی نیشابور با خطوط کوفی زیبا که حکمت‌ها و آرزوهای نیک را در بر داشتند، از شاخص‌ترین نمونه‌های این هنر هستند. در فلزکاری هم همین رویکرد دیده می‌شود. ظروف مسی، برنجی و نقره‌ای ایرانی اغلب با کتیبه‌های خطی تزئین شده‌اند که هنر و کارکرد را در هم می‌آمیزند. تاریخ هنر ایران نام‌های بزرگی در خوشنویسی دارد. میرعماد حسنی قزوینی در دوره صفوی به قله نستعلیق رسید و هنوز الگوی خطاطان است. میرزا غلامرضا اصفهانی در دوره قاجار با خط شکسته نستعلیق دنیایی تازه گشود. در دوران معاصر، غلامحسین امیرخانی و یدالله کابلی از برجسته‌ترین خطاطان ایران هستند که میراث این هنر را زنده نگه داشته‌اند. خط فارسی نه تنها یک هنر، بلکه بخشی از هویت ایرانی است. در روزگاری که بسیاری از ملل خط خود را از دست داده‌اند یا تغییر داده‌اند، ایرانیان همچنان به خط فارسی وفادار مانده‌اند. این خط پیوندی است میان نسل‌های مختلف کسی که امروز نستعلیق می‌نویسد، با همان خطی می‌نویسد که حافظ و سعدی با آن شعر سروده‌اند. خط در هنر ایرانی داستان ملتی است که زیبایی را حتی در نوشتن دیده. برای هنرمند ایرانی، نوشتن یک کلمه می‌تواند هم‌ارز کشیدن یک نقاشی باشد و این نگاه است که خط فارسی را از یک ابزار ساده ارتباطی به یکی از زیباترین هنرهای بصری جهان تبدیل کرده است.



روایت تور رسانه‌ای دیلم؛ از اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری تا توسعه انرژی پاک و آبزی‌پروری









واگذاری هدفمند بیش از هزار هکتار از اراضی ملی برای اجرای طرح‌های اقتصادی، خدماتی، انرژی خورشیدی و پرورش میگو در شهرستان دیلم، زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی شده است.

به گزارش دریاکنار، شهرستان دیلم به واسطه موقعیت جغرافیایی، برخورداری از ظرفیت‌های ساحلی، منابع طبیعی و قابلیت‌های گردشگری، از مناطق مستعد استان بوشهر برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود؛ ظرفیت‌هایی که با برنامه‌ریزی در زمینه واگذاری هدفمند اراضی ملی و هدایت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند به ایجاد اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها و تقویت تولید در این منطقه منجر شود.

در همین راستا، نخستین تور رسانه‌ای مدیریت امور اراضی استان بوشهر در شهرستان دیلم با حضور اصحاب رسانه برگزار شد و خبرنگاران از چند طرح اقتصادی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های خدمات رفاهی، تولید انرژی خورشیدی و پرورش میگو بازدید کردند؛ طرح‌هایی که هر یک بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی این شهرستان را به نمایش می‌گذارند.

احمد مشایخی، مدیر امور اراضی استان بوشهر، در جریان این بازدیدها با تشریح عملکرد این مدیریت در زمینه واگذاری اراضی ملی و دولتی اظهار کرد: یکی از مأموریت‌های مهم مدیریت امور اراضی، فراهم کردن زمینه استفاده مؤثر از ظرفیت زمین‌های ملی و دولتی از طریق واگذاری به طرح‌هایی است که بتوانند به توسعه منطقه، رونق اقتصادی و تأمین نیازهای عمومی کمک کنند.

توسعه زیرساخت‌های خدماتی و اشتغال‌زایی در مسیرهای گردشگری

یکی از پروژه‌های مورد بازدید خبرنگاران، مجتمع خدمات رفاهی بین‌راهی شهرستان دیلم بود که در زمینی به مساحت حدود یک هکتار از اراضی ملی واگذار شده احداث و به بهره‌برداری رسیده است.

مشایخی با اشاره به اهمیت توسعه زیرساخت‌های خدماتی در مناطق گردشگرپذیر استان گفت: شهرستان دیلم به دلیل موقعیت گردشگری و حضور مسافران از استان‌های مختلف، به‌ویژه در فصل زمستان، نیازمند توسعه امکانات رفاهی و خدماتی است و مجتمع‌های بین‌راهی می‌توانند بخش مهمی از نیازهای مسافران و رانندگان را برطرف کنند.

وی افزود: برای اجرای این مجتمع، بیش از ۱۰ هزار مترمربع از اراضی ملی در اختیار سرمایه‌گذار قرار گرفته و حدود ۲۰۰ میلیارد تومان، معادل ۲ هزار میلیارد ریال، برای احداث و راه‌اندازی آن سرمایه‌گذاری شده است. این مجموعه با ایجاد اشتغال مستقیم برای ۱۰ نفر به بهره‌برداری رسیده است.

مدیر امور اراضی استان بوشهر با تأکید بر ضرورت نظارت بر اجرای طرح‌های واگذاری زمین تصریح کرد: واگذاری زمین به‌تنهایی هدف نهایی نیست، بلکه اجرای کامل طرح در چارچوب کاربری تعیین‌شده و تحقق اهداف اقتصادی و خدماتی آن اهمیت دارد. بر همین اساس، نظارت بر روند اجرای پروژه‌ها و انطباق فعالیت سرمایه‌گذاران با تعهدات پیش‌بینی‌شده از اولویت‌های این مدیریت است.

انرژی خورشیدی؛ استفاده از ظرفیت اراضی کم‌بازده کشاورزی

بخش دیگری از این تور رسانه‌ای به بازدید از پروژه نیروگاه خورشیدی در شهرستان دیلم اختصاص داشت؛ طرحی که در زمینی به مساحت حدود هشت هکتار در حال اجراست و می‌تواند گامی در مسیر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در استان بوشهر باشد.

مدیر امور اراضی استان بوشهر با اشاره به ظرفیت بالای این استان در بهره‌گیری از انرژی خورشیدی اظهار کرد: برخورداری از تابش مناسب و مستمر نور خورشید، بوشهر را به یکی از مناطق مستعد کشور برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید برق خورشیدی تبدیل کرده است.

وی با بیان اینکه اولویت واگذاری زمین برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی، اراضی دارای استعداد کشاورزی کمتر است، افزود: تلاش می‌شود با انتخاب صحیح زمین‌ها، ضمن صیانت از ظرفیت‌های کشاورزی، امکان استفاده از منابع طبیعی برای تولید انرژی پاک نیز فراهم شود.

مشایخی درباره آمار واگذاری اراضی برای این بخش گفت: در سال ۱۴۰۴، ۸۴۷ هکتار از اراضی ملی استان برای اجرای طرح‌های نیروگاه خورشیدی واگذار شده و در سال جاری نیز حدود ۱۲۰ هکتار از اراضی ملی به مرحله تنظیم قرارداد اجاره رسیده است.

وی همچنین با اشاره به پروژه در حال اجرای شهرستان دیلم خاطرنشان کرد: برای احداث این نیروگاه در زمینی به مساحت حدود هشت هکتار، بیش از ۶ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده و با آغاز فعالیت آن، حدود ۱۰ فرصت شغلی مستقیم ایجاد خواهد شد.

به گفته وی، شناسایی و پیگیری اراضی مستعد دیگر در شهرستان دیلم نیز برای اجرای طرح‌های مشابه ادامه دارد و بهره‌برداری از این پروژه‌ها می‌تواند به افزایش ظرفیت تولید برق خورشیدی و کمک به تأمین انرژی پایدار در منطقه منجر شود.

پرورش میگو؛ واگذاری ۹۶۷ هکتار زمین به ۴۹ بهره‌بردار

سومین بخش از بازدیدهای رسانه‌ای به سایت پرورش میگوی شهرستان دیلم اختصاص داشت؛ مجموعه‌ای که با واگذاری اراضی ملی به فعالان بخش خصوصی، به یکی از ظرفیت‌های مهم تولید و اشتغال در منطقه تبدیل شده است.

احمد مشایخی در جریان این بازدید اظهار کرد: در مجموع ۹۶۷ هکتار از اراضی ملی شهرستان دیلم برای اجرای طرح‌های پرورش میگو به ۴۹ بهره‌بردار واگذار شده است و تاکنون برای اجرای این طرح‌ها به ازای هر هکتار حدود سه میلیارد تومان سرمایه‌گذاری صورت گرفته است.

وی افزود: فعالیت این مجموعه زمینه اشتغال مستقیم و غیرمستقیم حدود ۵۰۰ نفر را فراهم کرده و نقش قابل توجهی در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی شهرستان دارد.

مدیر امور اراضی استان بوشهر با اشاره به اهمیت صنعت آبزی‌پروری در اقتصاد مناطق ساحلی بیان کرد: پرورش میگو از بخش‌های مهم فعالیت‌های شیلاتی استان بوشهر محسوب می‌شود که علاوه بر تولید محصول و تأمین بخشی از نیاز بازار، ظرفیت مناسبی برای ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری دارد.

وی ادامه داد: آثار اقتصادی این صنعت تنها به تولید میگو محدود نمی‌شود، بلکه فعالیت‌های مرتبط با تأمین نهاده، حمل‌ونقل، فرآوری، بسته‌بندی و عرضه محصولات آبزی نیز از آن تأثیر می‌پذیرند و زنجیره‌ای از مشاغل مستقیم و غیرمستقیم را در منطقه فعال می‌کنند.

مشایخی تأکید کرد: واگذاری اراضی ملی برای اجرای طرح‌های آبزی‌پروری، امکان بهره‌گیری از ظرفیت زمین‌های مستعد را فراهم می‌کند و با هدایت سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های تولیدی، می‌تواند به توسعه اقتصادی شهرستان‌های ساحلی کمک کند.

دیلم؛ از ظرفیت زمین تا فرصت‌های اقتصادی

بررسی سه طرح مورد بازدید در جریان این تور رسانه‌ای نشان می‌دهد که واگذاری اراضی ملی در شهرستان دیلم، حوزه‌های متنوعی از اقتصاد منطقه را در بر گرفته است؛ از توسعه زیرساخت‌های رفاهی و خدمات سفر گرفته تا تولید انرژی تجدیدپذیر و گسترش فعالیت‌های آبزی‌پروری.

بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی مدیریت امور اراضی استان بوشهر، در این سه طرح بیش از هزار هکتار از اراضی ملی برای فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی اختصاص یافته است. همچنین سرمایه‌گذاری حدود ۲۰۰ میلیارد تومانی در مجتمع خدمات رفاهی، بیش از ۶ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری پیش‌بینی‌شده در پروژه نیروگاه خورشیدی و سرمایه‌گذاری حدود سه میلیارد تومان به ازای هر هکتار در سایت پرورش میگو، ابعاد مختلف مشارکت بخش خصوصی در این شهرستان را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، اشتغال مستقیم ۱۰ نفر در مجتمع خدمات رفاهی، پیش‌بینی ایجاد ۱۰ فرصت شغلی مستقیم در نیروگاه خورشیدی و اشتغال مستقیم و غیرمستقیم حدود ۵۰۰ نفر در سایت پرورش میگو، بیانگر ظرفیت این طرح‌ها در ایجاد فرصت‌های شغلی است.

با این حال، اثربخشی واقعی واگذاری اراضی ملی را نمی‌توان صرفاً با میزان زمین واگذارشده یا حجم سرمایه‌گذاری سنجید. میزان بهره‌وری اقتصادی طرح‌ها، استمرار اشتغال ایجادشده، کیفیت خدمات، رعایت تعهدات سرمایه‌گذاران و نظارت مستمر بر نحوه بهره‌برداری از اراضی، از جمله شاخص‌هایی است که باید در ارزیابی عملکرد این پروژه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

تور رسانه‌ای شهرستان دیلم فرصتی برای معرفی بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی استان بوشهر و آشنایی نزدیک‌تر خبرنگاران با روند واگذاری اراضی ملی و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری بود؛ طرح‌هایی که در صورت تکمیل، بهره‌برداری اصولی و نظارت مؤثر، می‌توانند سهم بیشتری در رونق تولید، توسعه زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی و تقویت اقتصاد مناطق ساحلی استان بوشهر ایفا کنند.

دریاکنار
۷
سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان



مشتری بانک؛ صاحب حق یا صرفاً دریافت‌کننده خدمت

به قلم: سعید یکتائی (دکتری حقوق خصوصی- مدرس دانشگاه)

بسیاری از مردم زمانی به حقوق خود در برابر بانک توجه می‌کنند که با مشکلی روبه‌رو شده باشند؛ برای مثال، مبلغی از حسابشان برداشت شده، خدمتی برخلاف انتظار دریافت کرده‌اند، اطلاعات بانکی‌شان در معرض خطر قرار گرفته یا شکایتشان به نتیجه مطلوب نرسیده است. اما حمایت از مشتری نباید به زمان بروز اختلاف محدود شود. رابطه بانک و مشتری، رابطه‌ای حقوقی و حرفه‌ای است که در آن، بانک علاوه بر حقوق قراردادی خود، وظایف و مسئولیت‌هایی نیز در قبال مشتری بر عهده دارد.

در همین راستا، هیأت عالی بانک مرکزی در ۹ آبان ۱۴۰۵، طی بخشنامه شماره ۰۵/۲۰۴۰۵۷، «ضوابط حداقل الزامات صیانت از مشتریان مؤسسات اعتباری» را به شبکه بانکی ابلاغ کرده است؛ مقرراتی که جایگزین دستورالعمل رسیدگی به شکایات مشتریان مصوب سال ۱۳۹۳ شده و رویکردی فراتر از رسیدگی به شکایت پس از وقوع مشکل را دنبال می‌کند.

از رسیدگی به شکایت تا پیشگیری از تضییع حق؛

اهمیت این مقررات در آن است که حمایت از مشتری را صرفاً به پاسخ‌گویی بانک پس از ثبت شکایت محدود نمی‌کند. ضوابط جدید بر ۹ محور اساسی، از جمله رفتار عادلانه و منصفانه با مشتری، شفافیت و افشای اطلاعات، کیفیت خدمات بانکی، رفتار حرفه‌ای کارکنان، امنیت و حفاظت از اطلاعات و دارایی‌های مشتریان و رسیدگی به شکایات تأکید دارد.

به بیان ساده، مشتری باید پیش از پذیرش یک خدمت یا امضای قرارداد بانکی، از شرایط و هزینه‌های آن آگاهی کافی داشته باشد و در طول رابطه بانکی نیز از خدماتی ایمن، شفاف و متناسب با مقررات برخوردار شود. نمی‌توان از مشتری انتظار داشت به تعهدات قراردادی خود پایبند باشد، اما در مقابل، کیفیت اطلاع‌رسانی، نحوه ارائه خدمت و شیوه رسیدگی به اعتراض او خارج از چارچوبی روشن و پاسخ‌گو قرار گیرد.

آیا بانک و مشتری در موقعیت حقوقی برابر قرار دارند؟

از منظر حقوق خصوصی، قرارداد بانکی هرچند بر پایه توافق شکل می‌گیرد، اما نباید از واقعیت اقتصادی وساختار حرفه‌ای این رابطه غافل شد. بانک به اطلاعات، زیرساخت‌ها و سازوکارهای تخصصی دسترسی دارد؛ در حالی که مشتری، به‌ویژه در قراردادهای استاندارد بانکی، معمولاً امکان محدودی برای مذاکره درباره تمام شروط قرارداد دارد. بنابراین، صرف امضای قرارداد را نمی‌توان در همه موارد نشانه آگاهی کامل مشتری از تمام آثار و پیامدهای آن دانست.

بر همین اساس، اصولی مانند شفافیت، اطلاع‌رسانی مؤثر، رعایت حقوق قراردادی و مسئولیت‌پذیری در ارائه خدمات اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. این الزامات نه به معنای نادیده گرفتن حقوق بانک است و نه به معنای معافیت مشتری از تعهدات قانونی و قراردادی؛ بلکه هدف، برقراری تعادلی منطقی میان حقوق و مسئولیت‌های دو طرف است.

برای نمونه، اگر مشتری به دلیل نقص در اطلاع‌رسانی یا عملکرد سامانه بانکی متحمل زیان شود، موضوع صرفاً یک نارضایتی اداری نیست؛ بلکه



ممکن است با توجه به شرایط پرونده، مسئله مسئولیت قراردادی یا مدنی بانک نیز مطرح شود. البته احراز مسئولیت، مستلزم بررسی تخلف یا نقض تعهد، ورود زیان و رابطه سببیت میان آن‌هاست و نمی‌توان هر اختلال یا نارضایتی را به‌تنهایی موجب مسئولیت قطعی بانک دانست.

قانون‌مندی، به سود هر دو طرف است؛

ضوابط جدید بانک مرکزی را باید گامی در جهت ارتقای کیفیت رابطه بانک و مشتری دانست؛ اما موفقیت آن صرفاً با ابلاغ بخشنامه محقق نمی‌شود. اجرای واقعی این مقررات نیازمند آموزش کارکنان، اصلاح فرآیندهای خدمت‌رسانی، شفافیت در قراردادها، حفاظت مؤثر از اطلاعات و ایجاد سازوکاری قابل اعتماد برای رسیدگی به اعتراض‌های مشتریان است.

در نهایت، اعتماد عمومی به نظام بانکی فقط با سرعت پرداخت تسهیلات یا تنوع خدمات ایجاد نمی‌شود؛ بلکه مشتری باید اطمینان داشته باشد که در برابر بانک، حقوق مشخص و قابل پیگیری دارد. بانکداری حرفه‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که مشتری نه صرفاً دریافت‌کننده خدمت، بلکه طرفی برخوردار از حقوق روشن و مورد حمایت قانون باشد.



گردآوری: امیر مهدی بوالحسنی (دانشجوی حقوق)

قبل از وکالت فروش، این خطرات قانونی را بشناسید

یک امضا، یک اختیار بزرگ!

وکالت دادن

برای فروش ملک، خودرو یا سایر اموال، در بسیاری از معاملات راهکاری برای انجام امور اداری و انتقال مال است؛ اما اعطای وکالت به معنای انتقال مالکیت نیست و می‌تواند برای موکل پیامدهای حقوقی مهمی داشته باشد. تعیین دقیق حدود اختیارات وکیل، مدت وکالت و نحوه دریافت ثمن معامله از جمله نکاتی است که پیش از امضای وکالت‌نامه باید مورد توجه قرار گیرد.

وکالت در قانون مدنی ایران به این معناست که شخصی، دیگری را برای انجام امری نایب خود کند. در معاملات، گاهی مالک به فرد دیگری وکالت می‌دهد تا از طرف او مال مشخصی مانند ملک یا خودرو را به فروش برساند.

این روش ممکن است انجام معامله را ساده‌تر کند، اما اعطای وکالت، به‌ویژه وکالت فروش، بدون توجه به جزئیات آن می‌تواند خطرهایی برای مالک ایجاد کند.

یکی از مهم‌ترین نکات این است که وکالت فروش با انتقال مالکیت تفاوت دارد. صرف صدور وکالت‌نامه، به‌خودی‌خود مالکیت مال را به وکیل منتقل نمی‌کند و وکیل باید در حدود اختیاراتی که در وکالت‌نامه برای او تعیین شده اقدام کند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که وکالت در فروش لزوماً به معنای اختیار دریافت ثمن معامله نیست. مطابق ماده ۶۶۵ قانون مدنی، «وکالت در بیع، وکالت در قبض ثمن نیست» مگر اینکه قرینه قطعی بر آن وجود داشته باشد. بنابراین، مشخص کردن دقیق اختیار وکیل درباره دریافت وجه معامله اهمیت زیادی دارد.

یکی دیگر از موارد مهم، وکالت بلاعزل است. در بسیاری از وکالت‌نامه‌های معاملاتی، شرط بلاعزل بودن وکیل درج می‌شود. با این حال، بلاعزل بودن به این معنا نیست که وکالت‌نامه به‌تنهایی جایگزین قرارداد فروش یا سند انتقال مالکیت شده است. به همین دلیل، نباید صرفاً با اتکا به یک وکالت‌نامه، وضعیت مالکیت یا حقوق مالی یک معامله را قطعی تلقی کرد.

همچنین در تنظیم وکالت‌نامه باید حدود اختیار وکیل تا حد امکان روشن باشد؛ برای مثال، مشخص شود وکیل درباره چه مالی، با چه اختیاراتی، در چه مدتی و با چه شرایطی می‌تواند اقدام کند. اعطای اختیارات بسیار گسترده بدون تعیین حدود مشخص، می‌تواند زمینه اختلافات بعدی را افزایش دهد.

در نهایت، پیش از اعطای وکالت فروش، بهتر است متن وکالت‌نامه با دقت مطالعه و در معاملات مهم، از مشاوره حقوقی استفاده شود. وکالت‌نامه‌ای که دقیق و متناسب با هدف معامله تنظیم شده باشد، می‌تواند از بسیاری از اختلافات و سوءتفاهم‌های بعدی جلوگیری کند.



به قلم: ابوذر فردوسی (فعال اقتصادی)

وقتی حقوق کارگران و کارمندان قربانی تورم می شود!

وقت ان رسیده است که در کنار سیاست‌های جدی برای کنترل تورم، عدالت در پرداخت حقوق و حفظ قدرت خرید مردم نیز به یکی از اولویت‌های اصلی تصمیم‌گیری اقتصادی کشور تبدیل شود. کارمند و کارگر نباید هم قربانی تورم باشند و هم متهم به ایجاد آن!

ابوذر فردوسی - فعال حوزه اقتصاد در یادداشتی نوشت: حل مشکلات معیشتی کارگران و کارمندان در روزهای اخیر یکی از مهم ترین چالش های اقتصادی محسوب می شود. این دو قشر همواره در مناسبت های اقتصادی قربانی تورم و گرانی شده اند و به دلیل ثابت بودن درآمد شان و عدم امکان کسب درآمد بیشتر در شرایط معمولی، بیشترین آسیب را دیده اند. در حقیقت یکی از پرسش‌های مهمی که این روزها در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور مطرح می‌شود، نسبت میان افزایش حقوق کارکنان و رشد تورم است. پرسشی که دکتر رحمت‌الله نوروزی، نماینده مردم علی‌آباد کتول در مجلس شورای اسلامی نیز در تذکر شفاهی در جلسه این هفته مجلس خود به‌درستی به آن اشاره کرد: چگونه است که افزایش حقوق کارگران و کارمندان به‌عنوان عاملی برای ایجاد تورم مطرح می‌شود، اما افزایش دریافتی مدیران و اعضای هیأت‌مدیره‌ها چنین حساسیتی برنمی‌انگیزد؟ این پرسش، فراتر از یک تذکر پارلمانی، به یک مسئله مهم در عدالت اقتصادی و نظام پرداخت کشور اشاره دارد؛ اینکه چرا در زمان تصمیم‌گیری برای افزایش حقوق اقشار حقوق‌بگیر، نخستین نگرانی مسئولان آثار تورمی آن است، اما در بسیاری از موارد، درباره هزینه‌های دیگر و پرداخت‌های کلان مدیریتی، چنین حساسیتی مشاهده نمی‌شود؟ واقعیت این است که تورم پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است. افزایش نقدینگی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها، کاهش ارزش پول ملی، وابستگی به واردات، مشکلات تولید و انتظارات تورمی، همگی در شکل‌گیری و تشدید آن نقش دارند. بنابراین، تقلیل دادن مسئله تورم به افزایش حقوق چند میلیون کارگر و کارمند، نگاهی ساده‌انگارانه به یک معضل ساختاری است. البته نمی‌توان انکار کرد که افزایش دستمزدها، اگر بدون توجه به بهره‌وری، ظرفیت تولید و شرایط اقتصادی انجام شود، ممکن است در برخی بخش‌ها بر هزینه تمام‌شده کالا و خدمات اثر بگذارد؛ اما آیا راهکار مقابله با تورم، ثابت نگه داشتن حقوق کسانی است که هر روز با افزایش قیمت کالاهای اساسی، اجاره مسکن، هزینه درمان و حمل‌ونقل مواجه‌اند؟ تورم با ثابت ماندن حقوق‌ها از بین نمی‌رود. حتی اگر دستمزدها افزایش پیدا نکنند، تورم به دلایل دیگر همچنان وجود خواهد داشت و قدرت خرید مردم را کاهش خواهد داد. به عبارت دیگر، کارگر و کارمند نباید تاوان ضعف سیاست‌های پولی، مالی و اقتصادی را با کوچک‌تر شدن سفره خود بپردازند.

از سوی دیگر، باید به موضوع مهم‌تری نیز توجه کرد؛ انگیزه نیروی انسانی. کارمندی که دغدغه تأمین هزینه‌های اولیه زندگی را دارد، کارگری که بخش عمده درآمدش صرف اجاره مسکن و خرید مایحتاج روزانه می‌شود و نیروی شرکتی که حتی از امنیت شغلی و پرداخت منظم حقوق خود اطمینان ندارد، چگونه می‌تواند با تمام توان در مسیر توسعه و بهره‌وری سازمان حرکت کند؟ نمی‌توان از کارکنان انتظار تعهد، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و افزایش بهره‌وری داشت، اما در مقابل، نسبت به وضعیت معیشتی آنان بی‌تفاوت بود. نیروی انسانی صرفاً یک ردیف هزینه در بودجه دستگاه‌های اجرایی نیست؛ بلکه مهم‌ترین سرمایه هر مجموعه و عامل اصلی تحقق اهداف توسعه‌ای است. پرداخت قوق منصفانه و متناسب با شرایط اقتصادی، تنها یک مطالبه معیشتی نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری برای افزایش کیفیت خدمات، کاهش نارضایتی شغلی، جلوگیری از فرسودگی نیروی کار و ارتقای بهره‌وری محسوب می‌شود. در این میان، وضعیت نیروهای شرکتی نیز نیازمند توجه جدی است. اظهارات رئیس مجلس درباره بررسی وضعیت حدود ۲۳۵ هزار نفر از این نیروها و امیدواری برای پرداخت مستقیم حقوق آنان در ماه آینده، می‌تواند گامی در مسیر کاهش مشکلات و شفافیت بیشتر در نظام پرداخت باشد. البته آنچه اهمیت دارد، تحقق عملی این وعده‌ها و پایان دادن به بلاتکلیفی نیروهایی است که سال‌ها در دستگاه‌های مختلف خدمت کرده‌اند. نگاهی به تجربه کشورهای همسایه نیز می‌تواند درس‌آموز باشد. برای نمونه، ترکیه در سال‌های اخیر و همزمان با افزایش شدید تورم، چندین بار دستمزد حداقل را مورد بازنگری قرار داد تا از کاهش بیشتر قدرت خرید حقوق‌بگیران جلوگیری کند. بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، حداقل دستمزد ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۲۲ تا پایان ۲۰۲۴ پنج بار افزایش یافت. همچنین حداقل دستمزد سال ۲۰۲۶ این کشور با افزایش ۲۷ درصدی تعیین شد. البته تجربه ترکیه نشان می‌دهد افزایش حقوق به‌تنهایی درمان تورم نیست، اما می‌توان با سیاست‌های منظم تعدیل دستمزد، تا حدودی از سقوط قدرت خرید خانوارها جلوگیری کرد. نکته مهم این است که حقوق‌بگیران نباید همواره چند قدم از تورم عقب‌تر باشند و هر سال با کاهش واقعی درآمد خود مواجه شوند. نکته اساسی اینجاست که باید نگاه خود را به مسئله تورم تغییر دهیم. نمی‌توان هر سال هنگام تعیین دستمزدها، تورم را به‌عنوان مانعی برای افزایش حقوق مطرح کرد و در عین حال، از آثار مخرب کاهش قدرت خرید کارکنان بر اقتصاد، تولید و حتی کیفیت خدمات عمومی غافل شد. اقتصاد سالم، اقتصادی نیست که هزینه‌های خود را از جیب ضعیف‌ترین اقشار جامعه تأمین کند. اگر قرار است برای مهار تورم تصمیمات سخت گرفته شود، این تصمیمات باید عادلانه، فراگیر و متوجه ریشه‌های اصلی مشکلات باشد، نه اینکه بار اصلی آن بر دوش حقوق‌بگیرانی قرار گیرد که امکان جبران کاهش درآمد خود را ندارند. دکتر نوروزی درباره تفاوت نگاه به افزایش حقوق کارگران و مدیران، فرصتی است برای بازنگری در یک رویکرد قدیمی؛ رویکردی که گاهی به جای حل مسئله تورم، صورت‌مسئله را در قالب دستمزد کارکنان تعریف می‌کند. تورم با کوچک کردن سفره کارگران و کارمندان مهار نمی‌شود. توسعه اقتصادی نیز بدون نیروی انسانی باانگیزه و برخوردار از حداقل امنیت معیشتی امکان‌پذیر نیست. وقت آن رسیده است که در کنار سیاست‌های جدی برای کنترل تورم، عدالت در پرداخت حقوق و حفظ قدرت خرید مردم نیز به یکی از اولویت‌های اصلی تصمیم‌گیری اقتصادی کشور تبدیل شود. کارمند و کارگر نباید هم قربانی تورم باشند و هم متهم به ایجاد آن!



مجید آرامی (سرپرست شورای حل اختلاف دادگستری)

سازش در ۴۱ درصد پرونده‌های ارجاعی به شوراهای حل اختلاف استان بوشهر

مجید آرامی سرپرست شوراهای حل اختلاف دادگستری و معاون قضایی رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم به نقش مهم شوراهای حل اختلاف در فرهنگ صلح و سازش پرداخت و اظهار داشت: آمار عملکرد شورای حل اختلاف در سال‌های اخیر بر اساس ساختار قانونی جدید که مأموریت آن صرفاً بر صلح و سازش استوار است، با ۵۵ شعبه فعال و ۳ شعبه تخصصی در حوزه‌های عشایر، شیلات و مسائل کار و کارگری و با بهره‌گیری از ۲۸۰ نیرو دنبال می‌شود.

سرپرست شوراهای حل اختلاف دادگستری استان بوشهر با اشاره به آمار پرونده‌های وارده و میزان سازش در ۷ ماهه امسال افزود: در این مدت ۱۸۷۷۶ پرونده به شورای حل اختلاف ارجاع شد که همکاران ما با تغییر رویکرد از مراجعه‌محوری به سوی شناسایی زمینه‌های اختلاف و مداخلات سازشی، موفق شدند ۸۰۹۲ پرونده معادل ۴۱ درصد را به سازش ختم کنند و رتبه استانی مطلوبی را در کشور به دست آورند؛ این درحالی است که در مدت مشابه سال گذشته ۸۳۰۹ پرونده وارده داشتیم.

آرامی درباره دستاوردهای حوزه صلح و سازش در پرونده‌های کلان طی ۵ سال اخیر خاطرنشان کرد: با راهبری رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر، قریب به ۶۳ فقره پرونده قصاص در ۵ سال اخیر منجر به سازش شده است.

وی ادامه داد: در ۵ سال اخیر ۵۱ پرونده مالی با محکومیت بیش از ۳۰۰ میلیون تومان و ۳۹ فقره مهریه بالای ۱۵۰ میلیون تومان با مداخله شوراهای حل اختلاف استان بوشهر منتهی به سازش شد.

سرپرست شوراهای حل اختلاف بوشهر با اشاره به آزادی زندانیان تصریح کرد: طی ۵ سال اخیر ۹۹۶ زندانی با همکاری شوراهای حل اختلاف از زندان آزاد شده‌اند که سهم ۷ ماهه امسال قریب به ۹۰ نفر از زندانیان بوده است.

وی در خصوص توسعه روش‌های جایگزین رسیدگی قضایی و نهاد داوری بیان کرد: در کنار مأموریت ذاتی شوراهای حل اختلاف، مدیریت و نظارت بر امر داوری، میانجیگری و صلحیاری پیگیری شده و هم‌اکنون قریب به ۸۰۰ صلحیار در استان فعالیت می‌کنند



که از حدود ۱۳۰۰ پرونده ارجاعی به آنان، بیش از ۳۰ درصد معادل بیش از ۴۰۰ فقره به سازش انجامیده است.

آرامی در پایان با اشاره به جذب و آموزش داوران حرفه‌ای گفت: با فراخوان‌ها و اقدامات انجام‌شده در سال‌های گذشته، ۴۸ نفر پروانه داوری حرفه‌ای و داوری اختلافات خانوادگی را کسب کرده‌اند و ۵۱ نفر نیز آموزش‌های نهایی را پشت سر گذاشته‌اند که به‌زودی پس از صدور پروانه، شروع به کار خواهند کرد.

خبـر

تحقق مشارکت ۲۷۴ میلیارد ریالی در پویش «همه حاضر»؛ حمایت از تحصیل ۶ هزار و ۸۵۴ دانش‌آموز و دانشجوی تحت پوشش بهزیستی بوشهر





دکتر حسین اسدی‌راد (معاون بهزیستی استان بوشهر)

معاون مشارکت‌های مردمی و ظرفیت‌های اجتماعی بهزیستی استان بوشهر از جذب ۲۷۴ میلیارد و ۱۶۶ میلیون ریال کمک‌های نقدی و غیرنقدی در قالب پویش «همه حاضر» همزمان با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۵ خبر داد.

به گزارش دریاکنار و نقل از روابط عمومی اداره کل بهزیستی استان بوشهر، دکتر حسین اسدی‌راد معاون مشارکت‌های مردمی و ظرفیت‌های اجتماعی بهزیستی استان بوشهر با اشاره به اجرای پویش «همه حاضر» با هدف حمایت از دانش‌آموزان و دانشجویان تحت پوشش بهزیستی اظهار داشت: همزمان با آغاز بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی در سال ۱۴۰۵، با مشارکت مراکز دولتی و مؤسسات غیردولتی، مجموعاً ۲۷۴ میلیارد و ۱۶۶ میلیون و ۲۴۰ هزار ریال کمک نقدی و غیرنقدی برای حمایت تحصیلی از جامعه هدف دانش آموزی جذب شد که ۶ هزار و ۸۵۴ نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان تحت پوشش از مزایای آن بهره‌مند شدند.

وی افزود: از این میزان، ۱۷۴ میلیارد و ۷۹۱ میلیون و ۶۲۰ هزار ریال از طریق مؤسسات دولتی جذب شد که ۴ هزار و ۷۰۱ نفر را تحت پوشش حمایت‌های این پویش قرار داد.

اسدی‌راد ادامه داد: همچنین ادارات بهزیستی شهرستان‌ها و مراکز دولتی نیز با جذب ۹۹ میلیارد و ۳۷۴ میلیون و ۶۲۰ هزار ریال کمک نقدی و غیرنقدی، زمینه بهره‌مندی ۲ هزار و ۱۵۳ نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان را فراهم کردند.

معاون مشارکت‌های مردمی و ظرفیت‌های اجتماعی بهزیستی استان بوشهر در پایان با قدردانی از مشارکت خیران، مؤسسات و مجموعه‌های همکار تأکید کرد: پویش «همه حاضر» نمادی از همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مسیر تحقق عدالت آموزشی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر تحصیلی برای فرزندان تحت پوشش بهزیستی است و تداوم این مشارکت‌ها می‌تواند نقش مؤثری در توانمند سازی جامعه هدف، کاهش دغدغه‌های تحصیلی خانواده‌ها و حمایت از آینده فرزندان این سرزمین داشته باشد.

بوشهر با ۱۰۳,۴ درصد تورم رتبه ششم تورم استانی را کسب کرد



نقشه تورم مهرماه نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها در بخش قابل توجهی از استان‌های کشور از میانگین ملی فراتر رفته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار، هرمزگان با تورم نقطه‌ای ۱۱۳,۷ درصد بالاترین نرخ را ثبت کرده و پس از آن ایلام با ۱۱۱,۹ درصد و آذربایجان غربی با ۱۰۷,۵ درصد قرار گرفته‌اند.

گلستان با تورم ۱۰۵,۹ درصد، کردستان با ۱۰۵ درصد، بوشهر با ۱۰۳,۴ درصد، لرستان با ۱۰۳ درصد و خوزستان با ۱۰۰,۳ درصد، دیگر استان‌هایی هستند که تورم نقطه‌ای سه‌رقمی داشته‌اند.

بنابراین در ۸ استان، شاخص قیمت مصرف‌کننده طی یک سال بیش از دو برابر شده است.

در مقابل، تهران با تورم ۷۲,۹ درصد پایین‌ترین نرخ را در کشور ثبت کرده است. خراسان جنوبی با ۸۱ درصد، سمنان با ۸۰,۹ درصد و اصفهان با ۸۲,۲ درصد نیز در میان استان‌های دارای تورم پایین‌تر قرار دارند.

اما بررسی تورم سالانه، ترتیب استان‌ها را تغییر می‌دهد. در این شاخص، ایلام با نرخ ۹۶ درصد در صدر قرار گرفته و کردستان با ۹۴,۱ درصد، لرستان با ۹۳,۲ درصد و آذربایجان غربی با ۹۰,۵ درصد پس از آن قرار دارند. تهران نیز با تورم سالانه ۶۳,۶ درصد پایین‌ترین نرخ را داشته است.

تفاوت این رتبه‌بندی‌ها به دوره محاسبه شاخص‌ها مربوط می‌شود. تورم نقطه‌ای افزایش قیمت نسبت به مهر سال گذشته را نشان می‌دهد، اما تورم سالانه تغییر میانگین قیمت‌ها در دو دوره دوازده‌ماهه را اندازه‌گیری می‌کند.



دریاکنار

صدای پرطنین مردم

نشریه دریاکنار

صاحب امتیاز: مهندس سید عیسی گلریز
مدیرمسئول: مهندس مهران سلطانی نژاد
سردبیر: سهیلاسلطانی زنگلانی
روابط عمومی: فریده ترنج مهرگان
گرافیست: آیدا عالی پور
کاریکاتوریست: مهندس داریوش مهرزادگان_نگار جهانتاب
مسئول سایت: آیدا عالی‌پور
هیئت تحریریه: سیده فاطمه آزمون ، خانم دکتر زهراحسامی، الهام فضلی، حمید رفیعی، مهندس مجتبی تن زاده، حمیدرضا عباسی، زهره خاکسار، الهام هژبری ،فاطمه صالح روشن ،حسین دریانورد، سعید محمدی فرد ،الهام قائدی،وجیهه بای، امیرحسین حسین زاده، وحیده صادقی،صبا کاویان، فاطمه حیدری، فاطمه نژاد حسینی، سعاد نصاری، ابوالقاسم صیادی
عکاس: الناز رزمجو، فاطمه سلطانی زنگلانی
شمال: مازندران، بابلسر، بلوار طالقانی، پارک شهرداری
جنوب: بوشهر ، بلوار شهدای نیروی دریایی
تلفن: ۰۱۱۳۵۳۳۶۹۴۷-۰۷۷۹۱۰۹۰۱۵۶
نمابر: ۰۲۱۸۹۷۸۲۷۹۵-۰۱۱۳۵۳۳۳۲۲۳
پست الکترونیکی: DARYAAKNAR@GMAIL.COM
وب سایت : WWW. DARYAAKNAR.IR
لیتو گرافی و چاپ: نشر فرهنگ

نشریه دریاکنار @DARYAAKNAR
نشریه ای از جنس سرسبزی شمال
وخونگرمی مردمان جنوب
(مازندران بوشهر)

سال نهم *شماره ۲۳۰* یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵ – ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ – ۸ نوامبر ۲۰۲۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان

حاصل دومین سالروز انتصاب ارسلان زارع (استاندار بوشهر): استان بوشهر در شاخصِ فلاکت، سوم کشور شد / روایتِ تلخ تورم و بیکاری در زندگی بوشهریان / نقشه شاخص فلاکت ایران از جنوب کشور آغاز می‌شود

دوسال از انتصاب ارسلان زارع در جایگاه استاندارِ بوشهر می گذرد و در این بازه زمانی نتیجه دوسال گُفتار درمانی ارسلان زارع که به جایگاه سومی استان در شاخص فلاکت منتج شده است، روایتِ تلخ تورم و بیکاری در زندگی بوشهریان به نقد کشیده می شود: اقتصاد را می‌توان با میانگین‌ها اداره کرد اما نمی‌توان با میانگین‌ها زندگی کرد. برای سیاستگذار، تورم یک عدد است که در گزارش‌های ماهانه بالا و پایین می‌رود و بیکاری درصدی است که هر فصل در جدول‌های رسمی منتشر می‌شود اما برای خانواری که همزمان با افزایش قیمت موادغذایی، هزینه مسکن و دشواری یافتن شغل روبه‌رو است، این دوعدد چیزی جز دوسوی یک فشار اقتصادی نیستند. در هرمزگان و بوشهر به ترتیب ، مجموع نرخ تورم نقطه‌ای مهرماه و بیکاری بهار امسال به ۱۲۴/۹ و ۱۱۴,۹ رسیده است؛ رقمی که این استان را در صدر جدول شاخص فلاکت قرار می‌دهد. در تهران، همین شاخص ۸۳/۵ است و فاصله دواستان به ۴۱/۴واحد می‌رسد. این اختلاف بزرگ، تصویر اقتصادی را پیش چشم می‌گذارد که سیاست‌های کلان آن در پایتخت نوشته می‌شوند اما پیامدهای افزایش قیمت‌ها و وضعیت بازار کار در گوشه‌وکنار کشور یکسان نیست. تازه‌ترین محاسبات با تلفیق داده‌های تورم استانی مهرماه ۱۴۰۵ و نرخ بیکاری بهار همین سال نشان می‌دهد شاخص فلاکت در ۱۸استان کشور از مرز ۱۰۰ عبور کرده است. هرمزگان با ۱۲۴/۹، ایلام با ۱۲۰/۱ و بوشهر با ۱۱۴/۹ در صدر قرار گرفته‌اند و تهران با ۸۳/۵، خراسان‌جنوبی با ۸۵/۴ و سمنان با ۸۷/۸ پایین‌ترین مقادیر را ثبت کرده‌اند. شاخص ترکیبی کل کشور نیز به ۹۷/۸ می‌رسد اما در ۲۰استان مقدار این شاخص بالاتر از رقم ملی است. به بیان دیگر، حتی عددی که از جمع دو نرخ رسمی تورم و بیکاری کشور به دست می‌آید نیز نمی‌تواند تفاوت گسترده شرایط اقتصادی استان‌ها را به‌تنهایی نشان دهد. بااین‌حال، مساله فقط فاصله هرمزگان و تهران یا تعداد استان‌هایی نیست که شاخص آنها سه‌رقمی شده است. بررسی اجزای شاخص نشان می‌دهد تورم سهم غالبی در اختلاف استانی دارد اما نرخ بیکاری می‌تواند جایگاه برخی استان‌ها را به‌کلی تغییر دهد. بوشهر باوجود تورم پایین‌تر از آذربایجان‌غربی، به‌دلیل بیکاری بالاتر، شاخص فلاکت بیشتری ثبت کرده است. در کرمانشاه نیز بیکاری دورقمی بر فشار تورم افزوده و این استان را در جمع ۱۰استان نخست قرار داده است. در مقابل، ایلام با وجود نرخ بیکاری پایین‌تر از میانگین کشور، کمترین نرخ مشارکت اقتصادی را در میان استان‌ها دارد؛ واقعیتی که نشان می‌دهد همه مشکلات بازار کار در نرخ بیکاری آشکار نمی‌شوند. این اعداد حاصل جمع نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه مهرماه با نرخ بیکاری بهار ۱۴۰۵ هستند بنابراین شاخصی ترکیبی از دومقطع زمانی را تشکیل می‌دهند، نه آماری از نرخ بیکاری مهرماه. با وجود این محدودیت زمانی، محاسبات تصویری روشن از تفاوت فشار تورم و بیکاری در استان‌های کشور ارائه می‌کنند. در اقتصادی که تورم نقطه‌ای آن به ۸۸/۷درصد رسیده و نرخ بیکاری بهار ۹/۱درصد بوده، پرسش فقط این نیست که قیمت‌ها چقدر بالا رفته‌اند؛ پرسش مهم‌تر آن است که خانوارها در کدام مناطق با ترکیب سنگین‌تری از افزایش قیمت‌ها، کمبود فرصت‌های شغلی و محدودیت مشارکت اقتصادی روبه‌رو هستند. هرمزگان در صدر، بوشهر سوم و تهران در انتهای جدول نقشه شاخص فلاکت ایران از جنوب کشور آغاز می‌شود. هرمزگان که در مهرماه بالاترین تورم نقطه‌ای کشور را با نرخ ۱۱۳/۷درصد ثبت کرده بود، با افزوده شدن نرخ بیکاری ۱۱/۲درصدی به شاخص ۱۲۴/۹ رسیده و در صدر استان‌ها قرار گرفته است. پس از آن، ایلام با تورم نقطه‌ای ۱۱۱/۹درصدی و بیکاری ۸/۲درصدی، شاخص ۱۲۰/۱ را ثبت کرده و در رتبه دوم ایستاده است. بوشهر با شاخص ۱۱۴/۹ در جایگاه سوم قرار دارد. گلستان با ۱۱۴/۴، آذربایجان‌غربی با ۱۱۴/۲، کردستان با ۱۱۳/۶، لرستان با ۱۱۳/۴ و خوزستان با ۱۱۲/۲ از دیگر استان‌هایی هستند که بالاترین مقادیر شاخص را تجربه کرده‌اند. چهارمحال‌وبختیاری با ۱۰۹/۶ و کرمانشاه با ۱۰۸/۵ نیز فهرست ۱۰استان نخست را تکمیل می‌کنند. در مقابل، تهران با شاخص ۸۳/۵ پایین‌ترین مقدار را در میان استان‌های کشور دارد. خراسان‌جنوبی با ۸۵/۴ و سمنان با ۸۷/۸ در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. اصفهان با ۹۱/۳، قزوین با ۹۱/۸، سیستان‌وبلوچستان با ۹۳/۱ و البرز با ۹۳/۶ نیز از دیگر استان‌هایی هستند که شاخص آنها پایین‌تر از میانگین ترکیبی کشور محاسبه شده است. فاصله ۴۱/۴ واحدی هرمزگان و تهران، تنها بخشی از پراکندگی گسترده این شاخص است. میانگین حسابی ساده شاخص فلاکت ۳۱استان به حدود ۱۰۲/۸ می‌رسد؛ در حالی که شاخص ترکیبی ملی ۹۷/۸ است. تفاوت این دو رقم به ساختار وزن‌دهی آمارهای ملی و استانی مربوط می‌شود زیرا میانگین ساده، به هر استان وزن یکسان می‌دهد اما نرخ تورم و بیکاری کشور براساس جمعیت و ساختار آماری مربوط به هر شاخص محاسبه می‌شوند. عبور شاخص ۱۸استان از مرز ۱۰۰ نیز نشان می‌دهد ترکیب تورم و بیکاری در بخش بزرگی از کشور مقادیر بسیار بالایی ثبت کرده است. البته عدد ۱۰۰ در این شاخص به‌معنای فقر یا بیکاری تمام جمعیت استان نیست و آستانه رسمی بحران نیز محسوب نمی‌شود بلکه حاصل جمع دونرخ اقتصادی است. اهمیت این عدد بیشتر در امکان مقایسه استان‌ها و شناسایی تفاوت فشارهای تورمی و بازار کار نهفته است. بااین‌حال، رتبه‌بندی اولیه هنوز یک پرسش مهم را بی‌پاسخ می‌گذارد: آیا استان‌های دارای شاخص فلاکت بالاتر الزاما بیکاری بیشتری دارند یا تورم، عامل اصلی فاصله آنها با سایر مناطق است؟ تورم، موتور اصلی صعود شاخص فلاکت در اقتصاد امروز ایران، تورم چنان از نرخ بیکاری پیش افتاده که بخش عمده اختلاف شاخص فلاکت استان‌ها را تعیین می‌کند. مقایسه هرمزگان و تهران این واقعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. تورم نقطه‌ای هرمزگان ۱۱۳/۷درصد و تهران ۷۲/۹درصد بوده؛ اختلافی معادل ۴۰/۸واحد درصد. در مقابل، نرخ بیکاری هرمزگان ۱۱/۲درصد و تهران ۱۰/۶درصد است که تنها ۰/۶واحددرصد با یکدیگر فاصله دارند. در نتیجه، از اختلاف ۴۱/۴واحدی شاخص فلاکت این دو استان، ۴۰/۸واحد مستقیما از تفاوت تورم و فقط ۰/۶واحد از اختلاف بیکاری ناشی می‌شود. به‌بیان دیگر، حدود ۹۸/۶درصد شکاف شاخص میان هرمزگان و تهران به تفاوت نرخ افزایش قیمت‌ها مربوط است. این وضعیت فقط به دواستان محدود نمی‌شود. بررسی داده‌های ۳۱استان نشان می‌دهد که انحراف معیار تورم نقطه‌ای حدود ۹/۷واحددرصد است، درحالی‌که پراکندگی نرخ بیکاری به حدود ۱/۹واحددرصد می‌رسد. دامنه تغییرات تورم نقطه‌ای نیز ۴۰/۸واحددرصد و دامنه بیکاری ۷/۵واحددرصد بوده است بنابراین تفاوت نرخ‌های تورم میان استان‌ها به‌مراتب گسترده‌تر از تفاوت نرخ‌های بیکاری است. همین اختلاف مقیاس باعث شده است تا رتبه‌بندی شاخص فلاکت در بسیاری از استان‌ها شباهت زیادی به رتبه‌بندی تورم نقطه‌ای داشته باشد. هرمزگان در هر دوشاخص رتبه نخست را دارد و ایلام نیز در هردو در جایگاه دوم قرار گرفته است. استان‌های دارای تورم سه‌رقمی نیز عمدتا در بخش بالایی جدول شاخص فلاکت دیده می‌شوند. بااین‌حال، این غلبه آماری را نباید به‌معنای کم‌اهمیت بودن بیکاری تفسیر کرد. نرخ بیکاری از نظر عددی کوچک‌تر است اما آثار اقتصادی و اجتماعی آن با واحدهای تورم قابل‌مقایسه مستقیم نیست. از دست رفتن شغل، کاهش درآمد خانوار و محدود شدن فرصت ورود به بازار کار، فشارهایی هستند که جمع ساده دونرخ نمی‌تواند تمام ابعاد آنها را اندازه‌گیری کند. از سوی‌دیگر، رابطه آماری تورم و بیکاری استان‌ها نیز چندان قوی نیست. ضریب همبستگی این دومتغیر در داده‌های بررسی‌شده حدود ۰/۱۹محاسبه می‌شود یعنی استان‌های دارای تورم بالاتر الزاما با بیکاری بیشتری روبه‌رو نیستند. همین تفاوت است که اضافه کردن نرخ بیکاری به داده‌های تورم را معنادار می‌کند و در برخی استان‌ها رتبه‌بندی اولیه را تغییر می‌دهد. بیکاری چگونه جای استان‌ها را عوض کرد؟ تورم نقشه کلی شاخص فلاکت را ترسیم می‌کند اما بیکاری در بعضی استان‌ها مرزهای این نقشه را جابه‌جا کرده است. نمونه روشن آن بوشهر است؛ استانی که با تورم نقطه‌ای ۱۰۳/۴درصدی در جایگاه ششم استان‌ها قرار داشت اما پس از افزوده شدن نرخ بیکاری ۱۱/۵درصدی، شاخص فلاکت آن به ۱۱۴/۹ رسید و به رتبه سوم صعود کرد. مقایسه بوشهر با آذربایجان‌غربی اهمیت این جابه‌جایی را روشن‌تر می‌کند. تورم نقطه‌ای آذربایجان‌غربی ۱۰۷/۵درصد بوده که ۴/۱واحددرصد از بوشهر بیشتر است. بااین‌حال، نرخ بیکاری آذربایجان‌غربی ۶/۷درصد و بوشهر ۱۱/۵درصد ثبت و اختلاف ۴/۸واحددرصدی بیکاری باعث شده است شاخص فلاکت بوشهر باوجود تورم پایین‌تر، ۰/۷واحد بیشتر از آذربایجان‌غربی باشد. وضعیت کرمانشاه نیز قابل‌توجه است. این استان همراه با خوزستان، بالاترین نرخ بیکاری بهار را با رقم ۱۱/۹درصد ثبت کرده است. تورم نقطه‌ای کرمانشاه ۹۶/۶درصد بوده و شاخص فلاکت آن به ۱۰۸/۵ رسیده است. به این ترتیب، کرمانشاه که از نظر تورم نقطه‌ای در رتبه سیزدهم قرار داشت، در شاخص فلاکت به جایگاه دهم منتقل شده است. مقایسه کرمانشاه و زنجان نمونه دیگری از اثر بیکاری است. تورم نقطه‌ای زنجان ۹۹/۳درصد و بالاتر از نرخ ۹۶/۶درصدی کرمانشاه بوده اما بیکاری زنجان فقط ۵/۷درصد ثبت شده، در حالی که نرخ بیکاری کرمانشاه ۱۱/۹درصد بوده و حاصل این تفاوت، شاخص ۱۰۸/۵ برای کرمانشاه در برابر ۱۰۵ برای زنجان است. در سطح کشور نیز نرخ بیکاری استان‌ها از ۴/۴درصد در خراسان‌جنوبی تا ۱۱/۹درصد در کرمانشاه و خوزستان متغیر بوده‌است. پس‌ازاین‌دواستان، بوشهربا۱۱/۵درصدوهرمزگان با ۱۱/۲درصد در میان بالاترین نرخ‌های بیکاری قرار دارند. در سوی‌دیگر، خراسان‌جنوبی با بیکاری ۴/۴درصدی، زنجان با ۵/۷درصد، مازندران با شش‌درصد و یزد با ۶/۳درصد از پایین‌ترین نرخ‌ها برخوردار بوده‌اند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که اضافه شدن بیکاری در بعضی استان‌ها فشار تورمی را تشدید کرده و در برخی دیگر، تاحدودی از مقدار شاخص ترکیبی کاسته است. باوجود این، نرخ بیکاری به‌تنهایی برای قضاوت درباره کیفیت بازار کار کافی نیست؛ موضوعی که داده‌های مشارکت اقتصادی به‌ویژه در ایلام آشکار می‌کنند. تغییر معیار تورم، تغییر نقشه فلاکت یکی از ویژگی‌های مهم شاخص فلاکت آن است که نتیجه محاسبه آن به نوع نرخ تورمی بستگی دارد که در فرمول قرار می‌گیرد. در گزارش حاضر، معیار اصلی تورم نقطه‌به‌نقطه مهرماه بوده است؛ نرخی که تغییر شاخص قیمت را نسبت به مهر سال گذشته اندازه‌گیری



می‌کند اما اگر به‌جای آن از تورم سالانه استفاده شود، ترتیب استان‌های صدرنشین تغییر خواهد کرد. در محاسبه مبتنی بر تورم نقطه‌ای، هرمزگان با شاخص ۱۲۴/۹رتبه نخست را در اختیار دارد و ایلام با ۱۲۰/۱ در جایگاه دوم قرار گرفته و بوشهر نیز با شاخص ۱۱۴/۹سوم است. بااین‌حال، در نسخه مبتنی بر تورم سالانه، ایلام با شاخص ۱۰۴/۲ به رتبه نخست می‌رسد. در این تعریف، لرستان با شاخص ۱۰۳/۶ و کردستان با ۱۰۲/۷ در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند و هرمزگان و کرمانشاه با شاخص برابر ۱۰۰/۹، رتبه چهارم مشترک را به‌دست می‌آورند. تهران نیز با شاخص ۷۴/۲ همچنان پایین‌ترین مقدار را در میان استان‌ها دارد. تغییر رتبه‌ها ناشی از تفاوت دوشاخص تورم است. تورم نقطه‌ای، افزایش قیمت نسبت به ماه مشابه سال گذشته را نشان می‌دهد اما تورم سالانه، میانگین تغییرات شاخص قیمت در ۱۲ماه منتهی به مهر را با ۱۲ماه پیش از آن مقایسه می‌کند. به‌همین‌دلیل، استانی ممکن است در افزایش قیمت‌های اخیر پیشتاز باشد اما در میانگین ۱۲ماهه جایگاه متفاوتی داشته باشد. بااین‌حال، نتیجه اساسی هر دو محاسبه یکسان است: اختلاف قابل‌توجهی میان ترکیب تورم و بیکاری استان‌های کشور وجود دارد. برخی استان‌ها از تورم شدیدتر آسیب می‌بینند، برخی با بیکاری بالاتر روبه‌رو هستند و در گروهی دیگر، هر دو فشار همزمان بر اقتصاد منطقه سنگینی می‌کنند. شاخص فلاکت تمام ابعاد زندگی اقتصادی خانوارها را اندازه‌گیری نمی‌کند. سطح درآمد، نرخ فقر، هزینه مطلق زندگی، کیفیت اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی در محاسبه متعارف آن حضور ندارند. بااین‌حال، همین شاخص ساده هنگامی که در کنار داده‌های تفصیلی بازار کار قرار می‌گیرد، تفاوت‌های مهمی را آشکار می‌کند که در آمارهای ملی کمتر دیده می‌شوند. محاسبات «جهان‌صنعت» نشان می‌دهد که هرمزگان در شاخص مبتنی بر تورم نقطه‌ای صدرنشین است، ایلام باوجود نرخ بیکاری پایین‌تر از متوسط کشور ضعیف‌ترین مشارکت اقتصادی را دارد و بوشهر و کرمانشاه به‌دلیل بیکاری بالا در رتبه‌بندی فشار ترکیبی صعود کرده‌اند. این تفاوت‌ها یادآور واقعیتی است که پشت اعداد متوسط پنهان می‌ماند: اقتصاد ایران تنها با یک نرخ تورم و یک نرخ بیکاری توصیف نمی‌شود. سیاستگذار با یک اقتصاد ملی مواجه است اما خانوارهای ایرانی در ۳۱بازار کار و سبد هزینه متفاوت با پیامدهای آن زندگی می‌کنند.

۳۰ میلیارد دلار ارز برای تامین کالاهای اساسی تامین شد



عبدالناصر همتی در پایان سفر یک روزه خود به استان بوشهر در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به برنامه‌های سفر خود به استان بوشهر اظهار کرد: ابتدا بازدید میدانی از واحدهای آسیب‌دیده در منطقه عسلویه شامل پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها انجام شد و الحمدلله کارشناسان با جدیت و فداکاری در حال فعالیت هستند تا تعمیرات اساسی را در موعد مقرر به سرانجام برسانند. در همانجا نیز اعلام کردیم که بانک مرکزی و سامانه بانکی آمادگی کامل دارند تا برای جبران خسارت‌ها و تأمین نیازهای مالی، پشتیبانی‌های لازم را به عمل آورند تا هرچه سریع‌تر بخش‌های گاز و پتروشیمی به سطح سابق تولید و عرضه بازگردند.

رئیس‌کل بانک مرکزی با اشاره به برگزاری نشست سه ساعته با فعالان اقتصادی، اتاق بازرگانی و مسئولان استان بوشهر افزود: در این جلسه مسائل و مشکلات استان و فعالان اقتصادی از جمله موضوعات ارزی، پولی، بانکی و اعتباری مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد از طریق خطوط اعتباری ویژه بخش‌های تولیدی از سوی بانک مرکزی و همچنین کمک سامانه بانکی، طرح‌های نیمه‌تمام یا نیازمند پشتیبانی مالی تأمین اعتبار شوند تا روند کار با سرعت بیشتری پیش برود.

وی در خصوص تعهدات ارزی تعاونی‌های مرزنشین استان بوشهر، اظهار کرد: تعاونی‌های مرزنشین استان بوشهر تعهدات ارزی بر عهده دارند که باید ایفا شود و مقرر شد این موضوع را بررسی کرده و از طریق کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پیگیری کنیم تا دغدغه‌های این حوزه برطرف شود.

همتی با تأکید بر استمرار تأمین کالاهای اساسی، یادآور شد: در زمینه کالاهای اساسی، دارو و مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی هیچگونه نگرانی وجود ندارد؛ چرا که از ابتدای سال تا کنون و در مدت ۷.۵ ماه گذشته، نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار ارز برای واردات این اقلام تأمین شده و این روند با قدرت ادامه خواهد یافت و امیدواریم اقدامات بانک مرکزی در زمینه کنترل تورم و مدیریت نرخ ارز به تدریج نتایج ملموس تری به همراه داشته باشد.

رئیس‌کل بانک مرکزی با اشاره به توطئه‌های دشمنان در جنگ اقتصادی یادآور شد: دشمنان به دنبال فروپاشی اقتصادی و به هم ریختن اقتصاد کشور بودند و اگرچه با وارد کردن فشار اقتصادی به مردم لطمه زدند و مشکلاتی ایجاد کردند، اما در تحقق اهداف اصلی خود شکست خوردند. با مقاومت رزمندگان اسلام در بُعد نظامی و پایداری مردم در کنار برنامه‌های اقتصادی دولت، دشمنان هیچ‌گاه به اهداف خود برای به زانو درآوردن ایران اسلامی نرسیدند و به‌زودی بیش‌از پیش متوجه خواهند شد که این‌گونه فشارها هیچ فایده‌ای برای آنها نخواهد داشت.

سفر به عسلویه

همتی در عسلویه؛ تأکید بانک مرکزی بر تأمین مالی بازسازی صنایع آسیب‌دیده پارس جنوبی

رئیس‌کل بانک مرکزی در سفر به استان بوشهر، ضمن بازدید از پالایشگاه چهارم پارس جنوبی، مجتمع مبین انرژی خلیج فارس و پتروشیمی دماوند، از حمایت شبکه بانکی برای تأمین منابع مالی مورد نیاز بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده خبر داد.

عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، با استقبال ارسلان زارع استاندار بوشهر، فرماندار عسلویه و جمعی از مدیران دستگاه‌های اجرایی وارد فرودگاه عسلویه شد تا در سفری به استان بوشهر، از نزدیک در جریان آخرین وضعیت بازسازی صنایع گازی و پتروشیمی آسیب‌دیده در جریان جنگ تحمیلی اخیر قرار گیرد.

این سفر با همراهی استاندار بوشهر، حجت‌الاسلام موسی احمدی نماینده شهرستان‌های جنوبی استان در مجلس شورای اسلامی، معاون اقتصادی استاندار، فرماندار عسلویه و جمعی از معاونان و مدیران بانک مرکزی انجام شد و بازدید از مجموعه‌های صنعتی آسیب‌دیده و بررسی روند تأمین مالی بازسازی آن‌ها در دستور کار قرار گرفت.

بازدید از پالایشگاه چهارم پارس جنوبی؛ خروج یک‌سوم تولید گاز کشور از مدار

نخستین بخش از برنامه بازدیدهای صنعتی رئیس‌کل بانک مرکزی، حضور در پالایشگاه چهارم مجتمع گاز پارس جنوبی بود؛ مجموعه‌ای که در جریان حملات دشمنان دچار آسیب شده است.

همتی در این بازدید ضمن قدردانی از تلاش متخصصان، کارکنان و پیمانکاران برای بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده، اعلام کرد که در جریان حملات، حدود یک‌سوم تولید گاز کشور از مدار خارج شده است.

وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای بازسازی این مجموعه‌ها اظهار داشت: تلاش متخصصان و پیمانکاران داخلی برای بازگرداندن تأسیسات به چرخه تولید قابل تقدیر است و این اقدامات با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و بدون نیاز به واردات امکانات از خارج کشور در حال انجام است.

رئیس‌کل بانک مرکزی همچنین با تأکید بر نقش نظام بانکی در پشتیبانی از صنایع آسیب‌دیده، تصریح کرد: بانک‌ها تاکنون حمایت‌های لازم را انجام داده‌اند و بانک مرکزی و شبکه بانکی نیز تأمین مالی و حمایت‌های مورد نیاز برای ادامه روند بازسازی را در دستور کار خواهند داشت.

وی ابراز امیدواری کرد با تسریع در عملیات بازسازی و بازگشت ظرفیت‌های تولید گاز به مدار، در ماه‌های آینده از مشکلات تأمین گاز کشور کاسته شود.

مبین انرژی؛ بازسازی بیش از ۶۰ درصدی بزرگ‌ترین تولیدکننده یوتیلیتی جهان

در ادامه این سفر، رئیس‌کل بانک مرکزی و استاندار بوشهر از مجتمع مبین انرژی خلیج فارس بازدید کردند و در جریان آخرین وضعیت فعالیت‌ها و عملیات بازسازی این مجموعه قرار گرفتند.

مجتمع مبین انرژی خلیج فارس که به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده یوتیلیتی در جهان شناخته می‌شود، در جریان حملات دوران جنگ متحمل آسیب‌های گسترده‌ای شد؛ با این حال، عملیات بازسازی آن با اتکا به توانمندی متخصصان و ظرفیت‌های داخلی ادامه دارد.

بر اساس گزارش ارائه‌شده در این بازدید، تاکنون بیش از ۶۰ درصد از عملیات بازسازی مجتمع انجام شده و پیش‌بینی می‌شود این روند تا پایان سال جاری به اتمام برسد و مجموعه بتواند فعالیت خود را با ظرفیت کامل از سر بگیرد.

پتروشیمی دماوند؛ بازسازی ۳۵ درصدی و چشم‌انداز پایان کار در سال ۱۴۰۶

پتروشیمی دماوند دیگر مقصد بازدیدهای رئیس‌کل بانک مرکزی و هیئت همراه در عسلویه بود؛ مجموعه‌ای که در جریان جنگ آسیب دیده و عملیات بازسازی بخش‌های صدمه‌دیده آن در حال انجام است.

طبق اطلاعات ارائه‌شده در جریان این بازدید، تاکنون حدود ۳۵ درصد از عملیات بازسازی پتروشیمی دماوند انجام شده است. همچنین بر اساس برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، در صورت تأمین منابع مالی مورد نیاز، پیش‌بینی می‌شود بازسازی کامل این مجتمع تا پایان سال ۱۴۰۶ به اتمام برسد.

تأمین مالی؛ حلقه مهم بازگشت صنایع به چرخه تولید

یکی از محورهای اصلی این سفر، بررسی نقش بانک مرکزی و شبکه بانکی در تأمین منابع مالی مورد نیاز برای بازسازی صنایع آسیب‌دیده استان بوشهر بود؛ موضوعی که با توجه به اهمیت مجتمع‌های گازی و پتروشیمی عسلویه در تأمین انرژی، تولید محصولات پتروشیمی و اقتصاد ملی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تأکید همتی بر تداوم حمایت‌های بانکی از روند بازسازی، در شرایطی مطرح می‌شود که سرعت بازگشت این مجموعه‌ها به ظرفیت تولید پیشین، علاوه بر توان فنی و اجرایی، به تأمین به‌موقع منابع مالی و پشتیبانی مستمر از طرح‌های بازسازی نیز وابسته است.



